

از اسلام تمام نزاع‌هایی که شده است بر سر ممتازیت بوده است اگر این از میان برداشته شده بود هیچ نزاعی در میان نبود اگر تصور شود که دمو کراسی یک انسانی است بنده که او هستم و اگر تصور شود که یک کلمه است بنده خودم را تصور می‌کنم که مغز سراو هستم شاهزاده سلیمان میرزا که خودشان از حزب دموکرات هستند اظهار کردند که فرقه دموکرات چون از اول اقلیت داشتند و حالا هم اقلیت دارند این است که اینها نمی‌توانند یک کابینه را تشکیل کنند و او را ادامه و بر پا کنند اگر یک فرقه دیگری هستند که دارای یک اکثریت و یک مسلکی باشند خودشان را نشان بدهند که خودشان بتنهائی تشکیل بدهند یعنی یک اکثریتی را تشکیل و آنوقت البته تشکیل یک کابینه در پشت اومی ایستد و او را ادامه می‌کنند و اگر آقایان نمایندگان تصور بفرمایند که یک همچو اکثریتی که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا کردند باید بطور بلوک از روی ائتلاف بشود یعنی فرقه مختلفه جمع بشوند چند ماده در میان گذارند که در این دوره یا در هشت ماه اجرا بدارند البته یک چند چیزی در این هشت ماه در نظر دارند و در این هشت ماه ممکن است اجرا بشود ائتلاف خواهند کرد که بشود فرقه با فرقه دیگری یک همچو مواد مشترک داشته باشند ائتلاف می‌کنند آقای سلیمان میرزا اظهار کردند که من از طرف فرقه ام اظهار می‌کنم که اگر اکثریت یک فرقه نباشد و اکثریت مسلکی نباشد ما دموکراتها حاضریم برای ائتلاف بهر نحوی که بخواهند (یک همچو چیزی گفته شد) و گفته شد بای صحیح است من کتاب که نمی‌خواهم بخوانم صحبت میکنم عرض می‌کنم آنجا اظهار شد که دموکراتها حاضرند برای ائتلاف بهر نحوی که بخواهند بعد که یک دستخطی از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه آمد اینجا اشاره بود بان مذاکرات اگر چه والا حضرت فرموده بودند اینها سری است لکن چون گفته بودند که نباید علنی بشود ما دیگر نخواهیم خلاف نزاکت بکنیم و بگوئیم اشاره شده بود که اکثریت تان چطور شد معین شد یا نه و از آقایان هم که هیچ تکلفی معین نشد والا حضرت چون دیدند اشاره نمی‌شود تصریح فرمودند که اکثریت را اظهار باید داشت بالاخره از فرمایشات حضرت رئیس حالا معلوم شد که اکثریت ائتلافی شده است فرمودند که چند فرقه است اتفاق و ترقی است اعتدال است ترقی خواهند آمد.

**رئیس** — اینها را که بنده نسبت میدهد عرض نکردم آقای حاج شیخ رئیس فرمودند .

**آقا شیخ رضا** — همچو شنیدم همچو معلوم شد که اکثریت از ائتلاف شده است که اتفاق و ترقی اعتدال و ترقی خواهان که از روی یک ماده معدودی ائتلاف شده است و ممکن نیست که اتفاق و ترقی که اقرب است از همه به دموکرات با آنها ائتلاف کند همچو چیزی نمیشود اتفاق و ترقی پروگرامش را بنده دیده‌ام در یک چیز جزئی از قبیل مرکزیت و عدم مرکزیت اختلاف دارند با دموکرات بعضی چیزهای خیلی جزئی است که اختلاف

بنظر می‌آید اگر دیده باشند میدانند صحیح عرض میکنم آقایان تماشاچیها دیگر حضرت رئیس فرمودند آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان آمدند اینجا اظهار کردند که اکثریت ما این اشخاص هستیم و پروگرام عملی که اینجا تقدیم شد خدمت آقای رئیس و گفتند بچاپ میرسد و بنظر همه میرسد آنوقت آقای رئیس فرمودند فرقه دموکرات هم خودشان را بشناسانند اسامیشان را فردا فرد بگویند چنانچه پروگرام خودشان را آوردند و دادند به حضرت رئیس شاهزاده سلیمان میرزا چون معین نشده بود رسماً بلیسری چون نظر خودشان بود و از طرف فرقه نفرمودند بنده هم از طرف خودم چنین می‌فهمم شاید نظر فرقه هم به همین باشد این توقع از طرف فرقه دموکرات نشده است و جای این توقع از طرف فرقه دموکرات نشده است و جای این توقع هم نیست از فرقه دموکرات بجهت اینکه اینجا چند فرقه مؤتلف شده اند که پروگرامشان این است مؤتلفین اسامیشان اینست مواد پروگرام عملیشان این است آیا در مقابل این میشود این کسانی که هستند و ائتلاف می‌کنند میفرمایند اینها مؤتلفند پروگرامشان هم چاپ می‌شود شما هم بیایید پروگرام خودتان را بیاورید و ائتلاف کنید اگر یک مسلک بود که اعتدالها آمدند اینجا می‌گفتند که این صاحبان مسلک پروگرامشان این اسامیشان این مؤتلفین اینها هستند آنوقت یا میشدیم یکی بنده بودم ولی مؤتلفین اینها هستند و آنها که ائتلاف نمی‌کنند کجا هستند معلوم نیست بگویند آن مواد ائتلاف چیست تا بگویم که ما هم اتفاق میکنیم اگر یکی از مواد این باشد که ما ائتلاف نکنیم کان باین ائتلاف کرده‌ایم که خدا یکی — لعنت بر آن کسی که بگوید خدا دوتا است — و یکماده اش این باشد که حقوق هر شخص از شاه تا گدا محفوظ باشد لعنت بر آن کسی که بگوید اینچنین نباشد اگر یکی از مواد پروگرام این باشد که باید استقلال مملکت را نگاه داشت لعنت بر آن کسانی که خیالش غیر از این باشد مادموکراتها که خودمان را معرفی میکنیم که طرفدار پست هستیم بمعنی اینکه پامی‌فشاریم که آنها را بر گردن اشراف سوار بکنیم اینطور نیست چونکه تا کتون اشراف سوار آنها بودند و ظالمین بآنها بودند میگوئیم که دیگر نخواهیم گذاشت که بآنها ظلم بشود بظالم بودن آنها راضی نیستیم و میخواهیم نگذاریم که بگردن آنها سوار شوند پس این سؤالی که حضرت رئیس فرمودند که شما خودتان را معرفی بکنید این چیزی است محال هیچ نباید این سؤال را کرد جواب ندارد

**رئیس** — شما خودتان وعده دادید که فردا خودتان را معرفی بکنید این ترتیب نطق نیست که میفرمائید مطلب خودتان را بفرمائید شما نطقهایی که از اول مجلس تا بحال شده است تکرار میفرمائید یکساعت و نیم است که متصل نطق میفرمائید و مرا اینجا نگاه داشته‌اید بنده سؤال کردم و شاهزاده سلیمان میرزا برخواستند جواب گفتند که فردا اینکار را خواهیم کرد.

**آقا شیخ رضا** — عرض کردم که ما آنوقت میتوانیم خودمان را بآنها نشان بدهیم که معرفی آنها مسلک باشد آنها ائتلاف خودشان را اظهار کردند ما هم که اظهار نکردیم که ائتلاف نکردیم مقابل ائتلاف عدم ائتلاف است اما یک چیزی بود که تهمت است و آن حق را نظامنامه بما داده است و از بابت او که تهمت زده شد اینجا باید عرض کنم که در پروگرام

دمو کراتها نوشته شده است که اراضی ناممکن است از دست مالکین گرفته شود و بزارعین داده شود (فرقه دموکرات اظهار کردند اینطور نیست و مرانامه را فرستادند خوانند.)

ماده ۱۷ — تقسیم اراضی خالصه بزارعین و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک اربابی بوسیله تأسیس شعب بانک زراعتی در بلوکات و دادن حق تقدم خرید بزارعین در موقع فروش — اینجا نوشته شده است که بزور بگیرند البته این راجع برضای مالک اوست آنوقت که او میخواهد بفروشد این بخرد کسی دیگر نخرد و ارباب املاک در مالکیت خودشان مختارند این چه دخلی دارد بمسئله دیگر اینکه اینجا صحبت شد که بر فرض یکمدهتی که در اینجا (فرقه دموکرات اظهار کردند راجع بمانیست)

**رئیس** — جلسه را ختم میکنم و فردا منتظرم که پروگرام خودشان را که داده‌اند بیاورند خودشان را معین کنند — جلسه آتیه پنجشنبه و دستور همان دستور است که بود.

(مجلس سه ساعت و ربع از شب ختم شد.)

**جلسه ۲۱۵**

**مذاکرات روز پنجشنبه ۲۳ شهر صفر ۱۳۲۹**

مجلس دوساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد صورت روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

**نایب رئیس** — آقای ارباب در صورت مجلس نظریاتی داشتید ؟

**ارباب کیخسرو** — بعد از صورت مجلس اجازه بفرمائید که بنده مسلک خودم را عرض کنم چون پریروز که در آن موضوع صحبت میشد اجازه خواستم نوبت بینده نرسید که عرض کنم

**حاج محمد کریم خان** — اینکه بنده را غایب نوشته اند چون بعد از اعلان دستور رفتم از این جلسه فوق العاده که بعد از آن اعلام شد خبر نداشتم و بعد هم بینده خبر ندادند که روز چهارشنبه جلسه فوق العاده خواهد بود .

**آقامیرزا احمد** — در جلسه گذشته معلوم شد و اغلب از آقایان هم تصدیق کردند که حزب اکثریت نیست و بلوک است و در صورت مجلس حزب اکثریت نوشته شده است .

**معز الملک** — بنده هم میخواستم همین را عرض بکنم که چنانچه دیروز هم گفته شد اینرا خوب اسم بگذارند ائتلاف بگویند .

**معاضد الملک** — اسم این حزب هیئت متعده است ولی چون اینجا حزب گفته شد از این جهت مجبور شدیم حزب بنویسیم ولی حالا که تکذیب شد تغییر خواهیم داد و هیئت متعده خواهیم نوشت .

**آقا شیخ رضا** — در صورت مجلس اظهارات آقای آقا شیخ اسماعیل و آقای متین الرعایا نوشته شده است و اظهارات آقای سلیمان میرزا هم نوشته شده است با اینکه اظهارات ایشان را از طرف حزب دموکرات نبود و چون اظهارات ایشان بعنوان نمایندگان از طرف شبه پارلمانی حزب دموکرات

با اظهارات بنده فرق نداشت معذالك نمی دانم چطور شده است که اظهارات ایشان نوشته شده است و هریض بنده را نوشته اند و چون آنروز آقای رئیس از شعبه پارلمانی حزب دموکرات مطالبه کردند که چون این اکثریت ائتلافی که تشکیل شده است معرفی خودشان را کرده و پروگرام خودشان را داده اند شعبه پارلمانی دموکرات هم عده خودشان را و سر دسته خودشان را معرفی بکنند که معلوم بشود کجا هستند بنده عرض کردم که این مطلب جواب ندارد و حاصل عرض من این بود که این اکثریتی که معرفی شده اکثریت حزبی نبود اکثریت ائتلافی بود و در مقابل این نباید بیک حزب سیاسی گفت که شما بیایید خودتان را معرفی بکنید ولی آن اکثریت ائتلافی لازم بود تشکیل بشود .

**نایب رئیس -** این شایسته نیست که یک مطلب خیلی واضحی در مجلس مقدس تکرار بشود مکرر گفته شده است که وقتی از ملاحظات در صورت مجلس سؤال میشود مقصود آن چیزی است که در اینجا نوشته شده است نه اینکه مقصود صورت مذاکرات باشد و اگر آقایان ایرادی بصورت مذاکراتی که شده است دارند اورا نمی توان در موقع مذاکرات در صورت مجلس گفت آنرا بعد از صورت مجلس ممکن است اظهار کرد حالا اگر در صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید

**آقا شیخ رضا -** بنده می خواهم عرض کنم آن چیزی که اهمیت داشت اظهارات بنده که بعد از بیانات آقای سلیمان میرزا عرض کردم و جواب آقای رئیس بود لازم بود که حاصلش هم در صورت مجلس نوشته شود نوشته نشده است .

**نایب رئیس -** باز عرض می کنم گمان نمی کنم که ایراد آقای آقا شیخ رضا وارد نباشد و منکر نیستیم که بیانات ایشان خیلی مهم است ولی در صورت مجلس که نمیشود تمام بیانات آقایان را نوشت و اینکه از آقایان هشتروندی و معین الرعایا اسم برده شده است برای این است که ایشان بعد از فرمایشات و بعد از قرائت اسامی اکثریت اظهار کرده اند که اسمها را هم نیفزائید و مقصود نطقی نبود که آقایان کرده باشند که یکی نوشته نشده باشد و این ایرادات هم راجع بصورت مجلس نبود برای این که این صورت نطقها نیست صورت مجلس است حالا معلوم میشود که در صورت مجلس ملاحظاتی نیست .

**صدرالعلماء -** چون بنده را غایب نوشته اند

می خواستم عرض کنم که پریروز که انعقاد این جلسه فوق العاده اعلان شد بعد از ختم مجلس آقای ارباب اظهار کردند که چون این مسئله بی مقدمه بوده است مجلس نخواهد شد و چون بنده گمان کردم که مجلس نخواهد شد ثانیاً از اداره مباشرت هم اطلاع ندادند که مجلس خواهد شد از این جهت حاضر نشدم و اینکه بنده را غایب نوشته اند تقصیر از خودشان است که اطلاع ندادند .

**ارباب کیخسرو -** آقایان وقتی که از مقام ریاست اخطار شد که باید حاضر شوند و آنرا هم که فرمودند که بنده عرض کردم که این جلسه بی مقدمه

اخطار شده است از این جهت بود که با اداره مباشرت اخطار نشده بود که تهیه بلیط برای آن جلسه بکنند بعد معلوم شد که آقای نایب رئیس هم که این اعلان را فرمودند بی خبر بودند بی خبر ایشان اطلاع داده بودند و ایشان هم در جلسه علنی اظهار کردند و چون آقایان حاضر بودند دیگر محتاج نبود باینکه بآنها اطلاع بدهند .

**نایب رئیس -** با وجود این بایستی اداره مباشرت اطلاع داده باشد [در این مورد رئیس وارد و بمقام ریاست جلوس نمودند.]

**آقا شیخ اسمعیل -** راجع بصورت مجلس و اینکه اسم مرا هم نوشته اند می خواستم عرض کنم که چون این اکثریتی که تشکیل شد حزبی نبود بنده هم جزوش نشدم و امضاء هم نکردم ولی آن مواد را که دیدم عرض کردم شریکم چون صلاح مملکت است و در آخر هم تقاضا کردم که آن مواد را با آقایان اقلیت هم نشان بدهند بجهت این که شاید ایشان آنرا قبول بکنند و اتفاق بشود بنده این تقاضا را کردم و مجلس هم قبول کرد ولی در صورت مجلس نوشته نشده است .

( دیگر اظهاری نشد . صورت مجلس امضاء شده )

**ارباب کیخسرو -** در دو جلسه و جلسه قبل که اینجا صحبت از مسلكها بود بنده هم اجازه خواسته بودم ولی نوبت بنده نرسید البته بعد از اینکه این مسلك پیش آمده است و در روزنامه جات درج میشود موکلین بنده نیز منتظر خواهند بود ببینند بنده چه مسلكی را اختیار کرده ام زیرا در موقع انتخاب بنده قبل از افتتاح مجلس تعیین مسلكی مخصوصاً موکلینم بمن توصیه نموده اند جزو هیچ حزبی نشده مسلك مستقل را اتخاذ نمایم و با آن استقلال مسلك حافظ استقلال مملکت باشم - اگرچه هر فردی از ماها که این جا آمده اند وکیل تمام مملکت و نماینده عموم ملت هستیم ولی معذرا لازم می دانم از این جا به موکلین خود عرض کنم همانطوری که بنده توصیه شده است تا بحال در مسلك مستقل مستقیم بوده ام و همانطور خواهم بود و نظریاتی که سایر مسلك داران در کدام در وقت عمل موافقت با مسلك من کنند مستقلاً طرفدار آن خواهم بود مسئله دیگر که دیروز در اینجا مذاکره شد یعنی اظهار نمودند که حزب اقل مسئول نیستند بنده باینکه بی طرفی خود را معرفی کرده ام و خود را در مسلك اتخاذ خود منفرد میدانم با حال انفراد عرض میکنم که خودم را مسئول تمام ملت میدانم و همیشه بدون ترس سخنان حقه خودم را خواهم گفت و ضمناً اینکه موقع را مغتنم شمرده دو ماده از مواد مسلكی خودم را در اینجا به عرض میرسانم و استدعا دارم آقایانی که قبول دارند در اجرای آن همراهی فرمایند .

(۱) با کمال قدرت حافظ زبان ملی خود باشیم و استدعا دارم آقایان نمایندگان محترم در ضمن نطق های خود حتی الامکان کلمات خارجه استعمال نکنند .

(۲) تدارك اسباب سعادت ملت موقوف به تربیت امروزه پادشاه جوان ما است لهذا بتوسط

مجلس مقدس از و لا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقاضا و استدعا مینمایم در تربیت پادشاه جوان مایبتر بکشند تا از تربیت آن پادشاه سعادت آتی ملت محفوظ بماند .

**سلیمان میرزا -** دیروز بعد از اینکه آقای مرتضی قلی خان از طرف هیئت ائتلافیه اسامی آن ها را خواندند و خودشان را باینکه (لیدر) یا سر دسته و ناطق هیئت ائتلافیه هستند معرفی کردند از طرف آقای رئیس اظهار شد که حزب اقل هم که پروگرام خودشان را در جلسه قبل روی میز رئیس گذاشته اند يك نفر لیدر و ناطق از برای خودشان

انتخاب بکنند و اسامی خودشان را هم بگویند که معلوم باشد و بنده از طرف خود آن روز عرض کردم که معلوم است بعد از آنی که اطلاع پیدا کرده اند آنها هم ناطق خودشان را معین و افراد خودشان را معرفی میکنند و به امروز وعده دادم اینست که بوعده خودم وفا میکنم و با کمال افتخار عرض میکنم که آقایان بالاتفاق بنده را بسمت لیدری و ناطقی خودشان معین و مفتخر کرده اند و پس از آن اسامی ایشان را هم در آخر هریض خودم اظهار میکنم و بعضی آقایان میرسانم ولی مقدمتاً لازم است که چند مطلب را در اینجا اظهار بکنم اولاً اینکه اشخاصی را که

بنده اینجا اسم می برم همانطور که آقای آقا شیخ رضا در اینجا اظهار کردند آنها را در مقابل ائتلاف و غیر ائتلاف نباید تصور کرد چون آنها اسم خودشان را گذاشته اند هیئت ائتلافیه از این جهت لازم شد عرض بکنم که تصور نفرمائید که این حزب اقل هیئت غیر ائتلافی هستند بجهت اینکه کسی که در حضور آقای نایب السلطنه اظهار کرد بنده نبودم که گفتم ما حزب دموکرات چون در اقلیت هستیم و نمی توانستیم تشکیل هیئت دولتی بکنیم اینست که ما حاضریم با هر حزبی که مواد پروگرامش با ما نزدیکتر باشد با او ائتلاف بکنیم و لیکن نمیدانم از سوء قضایا از اشتباه و سهو از هر چه هست نمیدانم چه شده که آن مواد ائتلافیه را با ما نشان ندادند و باز بدبختی دیگر اینست که دیروز آن مواد را مطالبه کردیم فرمودند امروز طبع و توزیع می شود و هنوز طبع و توزیع نشده است و به این جهت بنده نمی توانم نظریات فرقه اقل را در آن خصوص عرض بکنم و از برای اینکه شاید آن را قبل از طبع و توزیع بخوانیم وعده هم فرمودند فردا صبح مرحمت بفرمایند و امروز هم بعد از ظهر که بهیئت رئیس شرفیاب شدم چون آقای نایب رئیس فرمودند بنا بر وظیفه قانونی که دارم چون از رئیس اجازه ندارم نمی توانم بدم اینست که هنوز آن مواد ائتلافیه بجزب اقل نرسیده است و لیکن همانطور که عرض کردم اگر آن مواد کلی باشد چنانچه بنده هم چند ماده نوشته ام محققاً در آنها اتفاق خواهد بود نه اکثریت مثلاً فرض بفرمائید استقراضی که در نظر هست اگر نوشته شود که این استقراضی که می شود باید صرف عشون بشود تمام ماها قبول داریم یا اینکه اصلاحات ادارات از قبیل عدلیه و نظایه این يك کاری است که همه ماها قبول داریم و از این قبیل خیلی چیزهای دیگر هست

مثل بر قراری امنیت و رفع فساد این يك چیزی است که هر ذي حسی آنرا قبول دارد یا اینکه اهزام شاگردان برای اروپا چطور می توانیم بگوئیم که آن را قبول نداریم یا خرید اسلحه این چیزی است که هیچگونه گفتگو و نظر سیاسی در آن نمی آید و يك قولی است که همه دنیا و هر کس که استقلال مملکت خودش را می خواهد آنرا می خواهد یا تشکیل چند اردو از قبیل سیار و غیر سیار این چیزی بود که از اول دوره جدید و تشکیل دولت در پروگرام تمام کابینهها نوشته شده است. انجمن مدارس ابتدائی این يك چیزی است که منتهی آمل فرقه دموکرات است که بلکه باین وسیله تعلیم اجباری بشود یا تأسیس کبسیون تفتیش مالیه این محققاً از جمله آمل آنها و ما به الا اتفاق است و همین طور ازین قبیل چیزها خیلی می شود نوشت و معین کرد و عوض ۲۰ ماده ممکن است ۲۰۰ ماده نوشت و چیزها نیست که نظرات سیاسی مخالف با آنها نیست و باز يك چیز دیگری راه مجبور عرض بکنم و آن اینست که دیروز هم پروتست کردم که آقایان را بستم حزب سیاسی بودن نمی شناسم و بازم تقاضا می کنم و دیروز هم عرض کردم باید بنظر بنده بیاید و الا اقلیت نمی تواند بگوید ولی قاعداً و قانوناً مطابق با کستیسویون ها اگر بلوک تشکیل می شود باید که تمام احزاب مختلفه معین باشد و هر کدام يك لیدری برای خودشان معین بکنند چنانچه در تمام جاهای همین ترتیب معمول است و تا اندازه ای که بنده از پارلمان انگلیس اطلاع دارم عرض می کنم که ببینید همین طور است که احزاب تمام به اسم ولیدرهای آنها معین و اکنون با کمال احترام میگویم پارلمان انگلیس که ۶۷۲ عضو دارد از چهار حزب بزرگ تشکیل شده است (کنسرواتور (لیبرال) (ایرلندی) (مله جات سه حزب از اینها همیشه در مقابل محافظه کاران یعنی کنسرواتور عقد ائتلاف می بندند و هر سه حزب هم لیدر دارند و این يك نفر که الان از طرف ائتلافیون معین شده است باید معلوم شود که از کدام حزب است و این هم که ائتلافیون يك لیدر برای خودشان معین کرده اند منافات ندارد با اینکه سایر احزاب هم هر يك لیدر های خودشان را معین بکنند تا اینکه آقایان بدانند که لیدر اعتدالیون ولیدر های حزب دیگر کدامند عده هر کدام از احزاب پارلمان انگلیس این است که عرض میکنم محافظه کارها ۷۴ نفر — لیبرالها ۷۲ نفر — مله جات ۵۳ نفر — ایرلندیها ۵۷ نفر وکیل دارند و این ۳ فرقه که لیبرالها مله جات ایرلندیها باشند با هم دیگر ائتلاف کرده اند و امروز هیئت دولت انگلیس را تشکیل داده اند و اسامی لیدرهاشان را هم برای استعمار آقایان نمایندگان عرض میکنم [الفورد] (اسکویس) هندرسن رومند است پس خوبست این احزابی که باهم دیگر يك ائتلاف کرده اند و این هیئت مؤتلفه را تشکیل کرده اند معین بکنند که چند حزبند و هر يك هم لیدرهاشان و عده خودشان را معین بکنند که تمام احزاب سیاسی معلوم و معرفی

شده مجلس ما صورت پارلمانی پیدا بکند و مواد ائتلافی را هم که در آن ائتلاف کرده اند بهمه ارائه بدهند و بنده قبلاً ولو اینکه آنرا نخوانده ام و ندیده ام محتقماً می دانم که وقتیکه خوانده شود يك چیزی است کلی و همه ماها که اینجا هستیم سهل است تمام اهالی این مملکت آن را قبول دارند لکن در عملیات باز دچار همان اختلاف نظر های احزاب سیاسی خواهیم شد این است که تقاضا می کنم از آقایان که اگر ممکن است و میل دارند که این مرحله آخری را هم ببیمایند و احزاب وعده هر کدام را معین فرمایند و الا خود دانند و همانطور که حزب دموکرات اول حزبی بود که پروگرام خود را علناً در این مجلس بجز ریاست تقدیم کرد همین طور اول حزبی است که خود را معرفی میکند بنده اسامی ایشان را میخوانم برای این است که آن اسامی که در روزاز طرف هیئت مؤتلفه خوانده شد يك اظهار ائتلافی بود و بنده نمی توانم آنرا حزب سیاسی بخوانم زیرا که نمیدانم این چند نفر از ایشان از هیئت محترم فرقه اتفاق و ترقی و چند نفر دیگر از فرقه محترم اعتدالیون و چند نفر ایشان از اشخاص مستقل هستند و غیر از چند نفر آقایانی که اینجا خودشان را بطور استقلال معرفی کردند نمیدانم آقایان دیگری هم هستند که مستقل باشند یا اینکه سایرین تماماً داخل در احزاب سیاسی هستند پس تقاضا میکنم که اگر ممکن است خودشان را معرفی بکنند که رفع شبهات و اشکالات بشود در مسئله دیگر هم که چون سوء تفاهمی در آنها شده است مجبور عرض بکنم و بعد شروع کنم بخواندن اسامی یکی همان بود که آقای ارباب فرمودند که اینکه اقلیت گفته است من مسئول نیستم ایشان با وجود اینکه يك نفر هستند و نظریات مخصوص و مستقل دارند با وجود این خودشان را مسئول میدانند بله آنچه که اقلیت گفته است منافی با این اظهار آقای ارباب نیست معین است که ممکن نیست يك نماینده داخل در فرقه متنته بشود و بگوید من مسئول نیستم و این را ترجمه بکنید که مسئول نیستم یعنی بمن ربطی ندارد هر چه پیش می آید بیاید این مثل دیوار میماند معلوم است که مسئولیت يك چیزی است که همه دارند ولی اقلیت مسئول چیست مسئولیت متقدمات خودش است و البته در موقع تنقیدات تنقیدات خودش را می کند و معایب کاری را که اکثریت مجلس و بخرد بعد به اقسام قیمت بکنند بین خورده مالکین پس از آن به اقسام پولش را از آنها بگیرد و گمان میکنم که این هیچ منافاتی با هیچ ترتیبی ندارد برای اینکه پس از آن آن که ملک من شد من بخترام که بهر طوری که میل داشته باشم ملک خودم را بفروشم حالا شروع می کنم بخواندن اسامی حزب دموکرات

اعضاه شعبة پارلمانی فرقه دموکرات :  
**آقا شیخ محمد خیابانی** — عرض کنم که بنده بت به این درس و تربیت حر لثی (ه خودم دارم خیلی افتخار دارم و بشکر میگویم اراینده از کمال بی عرضی هیچ حزبی مرا خارج از خود نمی خواند یعنی با مطالب سیاسی و مقاصد حزبی تمام خرابها همراه هستم و از آن وقتی که بنده از آذربایجان به اینجا آمدم ابتدا يك مختصر تاریخی لازم است عرض کنم در اول انقلاب آذربایجان که شروع بمناقشه مشروطیت و استبداد شد اول فرقه محترم اجتماعیون عامیون که گویا سوسیالیست باشند وارد آذربایجان شدند و آنوقت هم يك موقعی بود که تنقیح و تحقیق مسالک چندان مقتضی نبود و موقع فرصت نمی داد از این جهت تمام اهالی تبریز آنها که آزاد بخواد بودند تمام ما بیل شدند بطرف اشخاصی که از اجتماعیون بودند و اشخاص کثیره از اهل تبریز بلیطاز آنها گرفتند ولی هم اشخاصی که آنروز سوسیالیست اشتراک و اتفاق دارند بلکه از حیث این بود که آنها به آزادی دعوت میکردند و آنها از این حیث با آنها همراه بودند چنانکه وقتی مواد پروگرام آنها پیشنهاد شد اکثر از اهل تبریز از آن طریق بر گشتند و می توانم بگویم که شاید الان پنج نفر بان مسلک و عقیده اجتماعیون عامیون باقی نباشد یعنی بعد از آن که دیدند که مواد پروگرام آنها خیلی قابل تنقید است این بود که بر گشتند از آن ترتیب و حالا می بینید که از اهل تبریز هیچ کس نیست که با آن ترتیب مساعد باشد و از آن روز بنده از آن اشخاصی بودم که با آزاد بخواد

شیخ غلامحسین . ابوالقاسم میرزا . سلیمان میرزا باید عرض کنم که این بیست اسم است نه بیست و يك و چون يك نفر از آقایان هنوز خدمتشان نرسیده ایم و فرموده اند بعد از چند روز دیگر خودم خودم را معرفی خواهم کرد و اجازه نداده اند که اسمشان را علنی بگویم لهذا بنده هم مستور می دارم و عرض نمی کنم و بعد از چند روز خودشان خواهند گفت .  
**رئیس** — بنده خیلی تشکر می کنم هم از اکثریت مجلس و هم از اقلیت که دیروز و امروز عده خودشان را معین کردند و در اینجا علنی اسامی را خواندند و مدعی شدند و امیدوارم که این مسئله يك اثر فوق العاده در کارها بکنند و امورات بخوبی اصلاح بشود اما در مسئله پروگرام که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند همان طوری که دیشب ار بنده تقاضا کردند و عده کردم که صبح به ایشان بنده و امروز صبح هم وقتی که آمدیم به هیئت رئیس پرسیدم که آمدند گفتند هنوز تشریف نیاورده اند این بود که از آقای آقا میرزا مرتضی قلی خان حوامش کردم که يك صورتی از آن بنویسند که رفتی که حضرت والا تشریف آوردند خدمت ایشان بنده معلوم می شود که خودشان تشریف نیاورده اند ولی حالا البته باید داده شود و استعدا می کنم که سبک در این خصوص مدعا نره نشود بلکه اینکه چند نفر دستخط مبارک از طرف آقای نایب السلطنه رسیده است که باید خوانده شود و همین قدر از روی می دم و امیدوارم که با شعاعه هر دو فرقه موفقیت داشته باشند و بنده ایشان بنده که بنات آنها در واقع اسباب این خواهد شد که هیئت مجریه ما يك بنیاد داشته باشد و کارها اصلاح بشود .  
**آقا شیخ محمد خیابانی** — عرض کنم که بنده بت به این درس و تربیت حر لثی (ه خودم دارم خیلی افتخار دارم و بشکر میگویم اراینده از کمال بی عرضی هیچ حزبی مرا خارج از خود نمی خواند یعنی با مطالب سیاسی و مقاصد حزبی تمام خرابها همراه هستم و از آن وقتی که بنده از آذربایجان به اینجا آمدم ابتدا يك مختصر تاریخی لازم است عرض کنم در اول انقلاب آذربایجان که شروع بمناقشه مشروطیت و استبداد شد اول فرقه محترم اجتماعیون عامیون که گویا سوسیالیست باشند وارد آذربایجان شدند و آنوقت هم يك موقعی بود که تنقیح و تحقیق مسالک چندان مقتضی نبود و موقع فرصت نمی داد از این جهت تمام اهالی تبریز آنها که آزاد بخواد بودند تمام ما بیل شدند بطرف اشخاصی که از اجتماعیون بودند و اشخاص کثیره از اهل تبریز بلیطاز آنها گرفتند ولی هم اشخاصی که آنروز سوسیالیست اشتراک و اتفاق دارند بلکه از حیث این بود که آنها به آزادی دعوت میکردند و آنها از این حیث با آنها همراه بودند چنانکه وقتی مواد پروگرام آنها پیشنهاد شد اکثر از اهل تبریز از آن طریق بر گشتند و می توانم بگویم که شاید الان پنج نفر بان مسلک و عقیده اجتماعیون عامیون باقی نباشد یعنی بعد از آن که دیدند که مواد پروگرام آنها خیلی قابل تنقید است این بود که بر گشتند از آن ترتیب و حالا می بینید که از اهل تبریز هیچ کس نیست که با آن ترتیب مساعد باشد و از آن روز بنده از آن اشخاصی بودم که با آزاد بخواد

همان چیزها است فرضاً ما باید تجارت بکنیم باید قانونی که برای تجارت می نویسیم چیزهایی باشد که بما اجازه داده شده است مثلاً در تجارت شرع ما را منع کرده است پس ما باید ماخذ را همان اصل البیع قرار بدهیم و مطابق احکام شرع خودمان فائز بنویسیم بعد از آن در توسعه تجارت باید چیز بنویسیم بعد از آن در ترتیبات آن برای این که اینها چیزهایی است که اگر خود مقنن ما حاضر می بود اجازه می داد که بروند برای توسعه تجارت خودشان نقشه بکشند و نظامنامه بنویسند مثلاً مسئله بانک که آمد باید طوری بکنیم که قضیه را نشود تجارت که می خواهیم بکنیم باید که تجارت ضرری نباشد را در آن نباشد و بالاخره ترتیبی باشد که از منتهن ما جا رسیده است پس در این صورت بنده آن پروگرام را باین عنوان که آن مواد را قانون و نظامنامه یا تا کتیک بدانند بنظر شخص خودم بنده آنرا قبول ندارم باین جهت است که بنده داخل هیچ حزبی نشده ام و ممکن نیست بشوم مگر يك کسی که بر دارد قوانین شرعی خودمان را از روی آن برای هر فرقه و نظامنامه و تا کتیک بنویسند پس مختصر میگویم که بنده رسماً داخل هیچ فرقه نیستم ولی به اساس مقاصد آنها همراه هستم و ممکن نیست باین فرقه ها داخل بشوم .  
**رئیس** — دیگر در این خصوص مذاکره نمی کنیم برای اینکه عده زیادی قریب ۲۰ - ۳۰ نفر اجازه خواسته اند و اگر بخواهیم مذاکره بکنیم وقت مجلس را تلف خواهد کرد .  
 حالا دستخطی که از طرف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده است برای اطلاع آقایان خوانده می شود .  
 [آقای آقا میرزا ابراهیم خان بهبارت ذیل قرائت نموده]  
 صورت دستخط ثانی والا حضرت از قرار ذیل قرائت شد :  
 با مسلیت اینکه مشروطه عبارت از حکومت و بلوغ ملت بعد رشد است که مصالح و مضار احتیاجات مشترک که خود را تشخیص داده از قید و معیت غیر مستغنی شده زمام حاکمیت را بالاصالتاً بدست خود میگیرد جای شبهه نیست که چون ادای این وظیفه مشترک با حالت اجتماع برای اتحاد و اذارد ملت غیر مقدور است هر يك قسمت از ملت محدودی را از طرف خود برای وضع قوانین مملکت و نظارت و اجرائیات آن و کالت دژده و حاکمیت خود را باین طریق موقتاً بدست و کلاهی خود انتقال می نماید چنانچه بواسطه عدم امکان اتفاق آرا نمایندگان این حاکمیت مستغله از دست عموم و کلاء بدست حزب اکثریت انتقال یافته حقیقتاً در مملکت مشروطه حزب اکثریت پارلمان حکومت نموده از طرفی خود بوضع قوانین و نظارت آن اشتغال ورزیده و از طرف دیگر برای اجرای آن بنام قوه مجریه هیئتی را منصوب می نماید که به اتحاد مسلکی آن هیئت را صالح به تسلیم قوای اجرائیه می دارند در این موقع لازم است نظر دقت نمایندگان معترم را جلب به این

نکته نمایم که چون بترتیب مذکور حکومت مملکت با اکثریت ثابت مجلس و اجرای قوانین مملکتی بتصویب آنها بقوای مجریه واگذار میشود یکی از ضروریات سلطنت مشروطه این است که همیشه اکثریت ثابت در مجلس شورای ملی موجود و با تمام قوا حافظ و نگهبان هیئت وزراء بوده آنها را از هر تزلزلی در پیشرفت مقاصد مملکت و مصالح مملکت صیانت نماید و برای اینکه گاهی ممکن است در جزئیات مسائل اجرائیه اختلاف آراء نمایان حزب اکثریت و هیئت مجریه بظهور رسد حتی المقدور باید از ظهور اختلافات و تزلزل قوای دولت جلوگیری شود تبادل آراء و تماطی افکار انتصالی در میان هیئت وزراء و اکثریت از حتمیات است حتی در موقع پیشنهاد مطالب مهمه نیز قبیل از آنکه وزراء بمذاکره علنی اقدام نمایند بدو باید از خیالات مجلس بخصوص از عقاید اکثریت در آن موضوع مطلع بوده خود را بقتضا گرفتار مخالفت مجلس ننمایند هکذا از طرف قوه مقننه نیز باید ملاحظاتی دقیقیه نسبت به وضع مملکتی حاصل آمده در هر امر جزئی از اشکال تراشی بهیئت وزراء صرف نظر فرمایند تا قوه مجریه باتکیه بقوه مقننه که حقیقتاً تکیه به تمام آراء ملت است مقاصد خود را در اصلاحات مملکت صورت انجام بدهد و کلاً نیز مکلفند روابطدائمی خود را با آراء عامه حفظ نموده همیشه به این وسیله از افکار و احتیاجات ملت مطلع باشند تا بتایبیتی در میان آراء عموم و عقاید و کلاه حاصل نشود .

سلطنت مشروطه نیز که رئیس قوه مجریه است باید از طرفی با وزراء و از طرف دیگر با تمام نمایندگان احزاب در رابطه از افکار فرق و عقاید و احتیاجات عامه مستحضر بوده در مقامی که داراست لوازم التیام و اجتماع قوای دولت و ملت را تهیه نموده حتی الامکان مراقبت نماید که تشتتی بظهور نرسد قوای مقننه و مجریه و احزاب و طبقات عامه نیز وقتی را که شایان نظریات آن مقام است ملحوظ دارند تا به این ترتیب موازنه پارلمانی و تعادل قوی مهسر گردیده و دستکاه مشروطیت بطور منظور در آزادی و آسایش و ترقی ملت منتج نتایج مطلوبه شود .

اگر چه اینجانب را کمال امیدواری و حسن ظن به اطلاعات نمایندگان محترم حاصل است و آنچه ذکر می کنم بر سبیل ذکر تقوا و عادت ولی چون مشروطیت در مملکت ما جدیدالولاد و نگهداری و پرستاری آن تا موقع تکمیل قوای طبیعی خود شایان کمال دقت و احتیاط است و غالب ملت را بترتیبات آن وقوف کامل نیست چنانکه مکرر بتحقیق رسیده حدود و تکالیف مسئولیت قوه مجریه و قوه مقننه کردار غیر مرعی مانده حتی در تعبیر معانی قانون اساسی نیز اختلاف بیان آمده از آن جمله در مسئله مهمی مثل نیابت سلطنت بالاینکه هیچ مسئولیت و اختیاری را دار نیست و تمام اختیار و مسئولیت مابین پارلمان و وزارت معذک دیده شد که در چنین امرواضی نیز اختلاف آراء مشهور گردیده .

چون ملاقات و مشاوره با نمایندگان محترم همیشه جالب حسن اثر و موجب رفع شبهات است بسیار مفید می دانم که گاهی اسباب تجدید اینگونه ملاقاتها

تهیه شود و در پاره ای مواقع ملاحظاتی نظریات خود را بطور یادداشت به مجلس محترم تذکار نمایم و نظریه به کمال خلوص نیتی که حاصل است بمذاکرات مذکور توجه خاطر نمایندگان محترم را بیک نکته مهمی راجع به تشکیل پارتی های سیاسی فرض خیر خواهی تصور کرده است امیدوارم به حسن قبول پذیرفته شود .

بر همه معلوم است ترتیب پارتی های پارلمان در این اواخر طوری از رسوم معموله مشروطیت خارج و موجب تعلیل قوای دولت شده بود که بقای هر کابینه غیر مقدر و بالاخره بواسطه بروز بغض و عداوت قیما بین اشخاصی که در حفظ مملکت و مشروطیت دارای هم واحد این باشند اساس مملکت در شرف اختلال عظیمی مشاهده می شد نظر باینکه پیش بینی نتایج مضره و عواقب ناگوار اینحال ذکر مایب و رفع آنرا بر عموم خیرخواهان مملکت لازم میدانم با سلمیت اینکه انشاءالله علانم نفاق در میانه احزاب ما مرتفع است اطلاع خاطر خیرخواهان را لازم می دانم که تشکیل پارتی های سیاسی بدن بروگرام علنی یعنی که مسلک خود را بر هواخواهی با تنفر اشخاص تکیه میدهد با روح مشروطیت متباین و هیناً جانشین دسته بندی های ایام قدیم است که نتایج آنرا تاریخ بیرون در روم و فرانس به ارباب اطلاع نشان داده و ثابت نموده است که چگونه ان قسم پارتی ها تزلزل بدسته بندی کرده ریشه آزادی و سعادت مملکت را قطع و هر نوع جلو گیری را غیر ممکن ساخته با اعمال اختلافات و جنگهای داخلی مملکت را بهر جرح و مرج و داراه هرج و مرج بحکومت جابره رسانیده است .

حکمت آن نیز واضح است زیرا وقتی که نقطه نظر پارتی ها بعضی مسلک و رتیبکی هواخواهی یا نفرت اشخاص شد این مخالفتها حقیقی پذیرفته مصالح امور را فدای اغراض و اشخاص خواهد نمود و بالاخره (ایلق روشی) یعنی حکومت جابره محدود قلبی را که بر مراتب بدتر و مهلك تر از حکومت يك شخص واحد جابری است در مملکت تولید خواهد نمود پس برای نمایندگان محترم که بحمدالله بوظایف خود آگاه و نسبت بملت و مملکت خیرخواه و در کلیات مسائل که مبتنی بر خیر عامه است اتفاق کلی داشته و دارند توجه به این نکات را در فرض و پیش از همه اتفاق در يك نقطه اساسی واجب است که اول از همه چیز يك حکومت مقتدره ملی برای این مملکت موقع ضرورت است که بتواند با معاونت مجلس آرزو و آمال ملت را در حفظ امنیت تامه و جلو گیری عواقب وخیمه و اجرای عدالت حقه و استقبال ترقی و سعادت مملکت و تعادل میزان دخل و خرج دولت و ترویج و تعلیم و تربیت و رفاه آن ساعی و جاهد باشد و چون این مسائل کلیات امور متفق علیه تمام احزاب باید باشد بدیهی است کلیات را مسلک و مرانامه نمی توان نامید و یقین مسلک در این مسائل عبارت از طرفی است که برای نبل به این مقاصد کلیه متفق بنظر هر يك از انفع و اصلاح آمده است آنرا برای خود مسلک اتخاذ نمایند آزادی افرا یکی از مهمه های بزرگ است که تمدن ملل در ایام برای جنس بشر تحصیل نمود

و البته باید با نهایت سعی و میل بنیل و تکمیل آن کوشید ولی چون همانطور که اسارت در تحت حکومت جابره مکرره و ولای عظیم است شک نیست که حد افراط و تفریط با رعایت رسوم و اخلاق درجات عده بده برای آزادی متصور است که آزادی حقیقی مشتبه و مخلوط بخودسری نشود بدیهی است آزادی هر فردی از افراد در عمل زندگانی خود تا اندازه ای جایز است که با آزادی دیگر خللی نرساند نمایندگان ملت بارعایت مقتضیات وقت و رسوم و عادات مملکتی باید طرق نبل این مقصود را سنجیده هر راهی که نزدیکتر به امکان و صلاح است مسلک خود قرار داده و از آن راه رویه مقصود حرکت کرده بی مغایره افراط و تفریط بتبیینه موفق شوند هکذا در ترویج تعلیم و تربیت و انواع مسائل دیگر که برای تجدید يك ملت و حسابات يك مملکت از آمال حتمیه است البته هیچ خیر خواهی را مخالفت و انکار نخواهد بود و اختلاف مسلک با انحصار در تعیین طرفی است که باید برای نبل بمقصود اختیار نموده معین دارند که کدام اقدام در اینکار الزم و کدامیک متنوع یا مطابق مقتضیات و عادات و وسایل موجوده اسهل و اصلاح است البته احزاب در این قبیل مسائل باید مذاکرات نموده بدون لجاج یا اظهار استبداد رأی بایکدیگر مباحثه کرده و عقیده دیگر را ولو مخالف بکنید بکام محترم شمرده و نیز توجه کامل نمایند که یکی از شرایط مهمه تعیین مسلک این است که نظری و فلسفی نبوده بلکه نزدیک بعمل و قابل الاجراء باشد زیرا که اساس مجلس شورایی ملی بر وضع قوانین و نظارت جریان آست و باید دانست که مباحثه در مسائل و روای محاجه و نفاق واری دشمنی و بغض است که مالا منتهی بپرداز کشی و قطع ریشه آزادی میشود و در صورتی که بحمدالله همه در اصول موافقت هیچ موقمی برای نقاضت و دشمنی باقی نیست بلکه بالمثال همه مانند فرق اسلامی اگر چه در فرغ جزئی اختلافاتی دارند در کلیات و اصول باید باهم متفق و متحد بود بیکدین و مسلکی متدین و منسلك باشند و در اینصورت هیچ حاجت ببیان نیست که برادر کشی و بغض و عداوت قسمی از حکومت جابره و بلکه بدتر است زیرا که هم مخفی است و هم معترف جابریت خود نیست .

بنا بر این خیری که بحمدالله از عموم نمایندگان محترم ملت مشهود است امیدوارم این یادآوری های خیره خواهانه در نظر ایشان موقع حسن توجه یافته بهمها اتحاد و اتفاق قلبی جانشین اغراض اشخاص بوده همه باهم واحد بحمایت و ترفی مملکت و حفظ امنیت و ااشاء انتظام و عدالت و جلب آسایش و سعادت بلنل جهد و کوشش نمایند .

( ابو القاسم )

میرزا یاقین — این یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه یادداشت پارلمانی بنظرم نماید این مثل این است که بیک کفر انسی داده باشه و بهام یک درس دی داده باشند و شایسته این است که چاپ شود و هر يك از و کلا يك نسخه از این یادداشت در جیبش باشد که در آن غوررسی و مطالعه نماید برای اینکه این یادداشت بر معلومات ما خیلی خواهد افزود و برای رفتاری که بعد از این ما باید بکنیم خیلی حسن اثر خواهد داشت دومسئله از آن یادداشت که مخصوصاً

بنده در نظرم هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم کم اصول مسلکی خودش را بره اغراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند بایاید (پرسنسی) باشند و دور يك اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بنده در بین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کیخسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه لغت فارسی در مقابل آنها نداریم و اگر اینطور نباشد بنده خواهش میکنم که کلمه تلگراف را بفارسی بیان بکنید که بدانیم — یکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرانامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک بعملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که يك مرانامه مینویسد و اشخاصیکه بدور آن مرانامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرانامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی يك مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند ایندور آن مرانامه جمع نمی شدند یعنی اگر يك مرانامه می بود که تصور میشد که مادام الحیات بهیچوجه منالوجه بمندرجات اونخواهیم رسید بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرانامه اخذ میکند ولی چون مرانامه ها کلیتاً يك چیزهائی هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که يك شخص یا يك فرقه يك مرانامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرانامه دیگری که آنرا تا کنیک مینویسند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصود خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرانامه لازم میدانم تا کنیک را از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که از هم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند بعقب هم بروند و باهم مدیکر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با يك فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا بنجاه سال دیگر از هم دور هستند تا پنج سال در تا کنیک همراه باشد و اختلاف بکند لهذا بنده ایندو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تأنید میکنم که ما باید يك مرانامه مسلکی داشته باشیم و يك مرانامه تا تنیککی که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم .

رئیس — این حالت شرف و مسرتی که از آقایان در ختم قرائت یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه اظهار شد تشکر میکنم و در ضمن عرض تشکر يك مطلبی را هم میخواهم در اینجا توضیح بدهم و آن مطلب هم راجع بیک چیزی است که آقای نایب السلطنه در ضمن دستخط خودشان اشاره بآن فرمودند که در موقع نایب السلطنه اختلاف آراء احزاب مشاهده شد و در خارج و داخل هم مکرر باین مطلب اشاره شده است و این را بنده شخصاً حمل نمی کنم باینکه از اختلاف احزاب بود

بنده در نظرم هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم کم اصول مسلکی خودش را بره اغراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند بایاید (پرسنسی) باشند و دور يك اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بنده در بین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کیخسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه لغت فارسی در مقابل آنها نداریم و اگر اینطور نباشد بنده خواهش میکنم که کلمه تلگراف را بفارسی بیان بکنید که بدانیم — یکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرانامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک بعملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که يك مرانامه مینویسد و اشخاصیکه بدور آن مرانامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرانامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی يك مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند ایندور آن مرانامه جمع نمی شدند یعنی اگر يك مرانامه می بود که تصور میشد که مادام الحیات بهیچوجه منالوجه بمندرجات اونخواهیم رسید بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرانامه اخذ میکند ولی چون مرانامه ها کلیتاً يك چیزهائی هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که يك شخص یا يك فرقه يك مرانامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرانامه دیگری که آنرا تا کنیک مینویسند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصود خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرانامه لازم میدانم تا کنیک را از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که از هم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند بعقب هم بروند و باهم مدیکر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با يك فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا بنجاه سال دیگر از هم دور هستند تا پنج سال در تا کنیک همراه باشد و اختلاف بکند لهذا بنده ایندو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تأنید میکنم که ما باید يك مرانامه مسلکی داشته باشیم و يك مرانامه تا تنیککی که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم .

رئیس — در این هم گمان ندارم کسی مخالفتی داشته باشد که در این مدت میبایستی سه بودجه بمجلس آمده باشد و تا کنون هیچیک نیامده است و هر چه هم که آمده است نمی توانیم آنها را بودجه بنامیم بلکه يك صورت حسابی بوده است و نظریاتمان موافق است با نظریات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و امیدواریم که زودتر از طرف وزارت مالیه بودجه ها بجنس پیشنهاد بشود که ما هم تکلیف خودمان را در آنها بعمل بیاوریم حالا ده دقیقه نفس میشود و بعد از آن شروع بمذاکره دستور امر روزی میشود .

رئیس — این حالت شرف و مسرتی که از آقایان در ختم قرائت یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه اظهار شد تشکر میکنم و در ضمن عرض تشکر يك مطلبی را هم میخواهم در اینجا توضیح بدهم و آن مطلب هم راجع بیک چیزی است که آقای نایب السلطنه در ضمن دستخط خودشان اشاره بآن فرمودند که در موقع نایب السلطنه اختلاف آراء احزاب مشاهده شد و در خارج و داخل هم مکرر باین مطلب اشاره شده است و این را بنده شخصاً حمل نمی کنم باینکه از اختلاف احزاب بود

بجهت اینکه در آن موقع همه آقایان خاطرشان مسجوق است که اغلب آقایان تصور می کردند که آقای نایب السلطنه تشریف نخواهند آورد و حاضر نیستند برای قبول این مقام و قین دارم که اگر این اطمنیان را پیدا میکردند که ایشان تشریف میآورند یقیناً بالاتفاق ایشان را انتخاب میکردند مثل اینکه بعد از تلگراف انتخاب تلگراف دومی که در سرعت حرکت ایشان از طرف مجلس شد که در واقع بمنزله انتخاب دوم ایشان بود تمام نمایندگان بالاتفاق وبدون استثناء آنرا امضاء کردند .

حالا چون يك دستخط دیگر هم از طرف والا حضرت رسیده است که لازم است باطلاع آقایان نمایندگان برسد خوانده میشود .

[ دستخط راجع بلزوم ترتیب بودجه سنوات گذشته و جاریه و آتی قرائت شد ] بآن مضمون البته خاطر نمایندگان محترم متوجه است که یکی از وظایف مخصره مجلس شورای ملی قرار جمع و خرج مملکت و ترتیب بودجه کل است و در اهمیت این نکته همیشه قدر کافی است که مسئله جمع و خرج امور و در حقیقت بمنزله خون در بدن است چه يك خانواده و چه يك مملکت بدون ترتیب جمع و خرج امکان معیشت نمیتوانند داشت و گذشته از تمام اینها بهترین وسیله نظارت حقیقی مجلس شورای ملی در امور مملکتی همین مسئله بودجه است که در این ترتیب میبایست بودجه کل یکی برای بقیه سال اول افتتاح مجلس یکی برای سال گذشته و دیگری برای سنه آتی در مجلس پیشنهاد و مرتب شده باشد و با کمال تأسف مشاهده میشود که از هیچیک آنها اثری نیست و اوقات مجلس بیشتر به خارج جزئیه مصروف شده اگر هم جمع و خرج در مجلس مورد ملاحظه است مخارج گذشته است که بطور حساب پس دادن آورده اند و راجع بمجلس نباید بشود و حال آنکه معنی بودجه این است که مجلس قبل از وقت اجازه آنرا بدهد .

لذا خاطر نمایندگان محترم را باین نکته مهم جلب مینمایم البته وزراء عظام نیز در ادای وظایف این تکلیف مهم غفلت نخواهند نمود .

( ابو القاسم )

رئیس — در این هم گمان ندارم کسی مخالفتی داشته باشد که در این مدت میبایستی سه بودجه بمجلس آمده باشد و تا کنون هیچیک نیامده است و هر چه هم که آمده است نمی توانیم آنها را بودجه بنامیم بلکه يك صورت حسابی بوده است و نظریاتمان موافق است با نظریات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و امیدواریم که زودتر از طرف وزارت مالیه بودجه ها بجنس پیشنهاد بشود که ما هم تکلیف خودمان را در آنها بعمل بیاوریم حالا ده دقیقه نفس میشود و بعد از آن شروع بمذاکره دستور امر روزی میشود .

رئیس — این حالت شرف و مسرتی که از آقایان در ختم قرائت یادداشت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه اظهار شد تشکر میکنم و در ضمن عرض تشکر يك مطلبی را هم میخواهم در اینجا توضیح بدهم و آن مطلب هم راجع بیک چیزی است که آقای نایب السلطنه در ضمن دستخط خودشان اشاره بآن فرمودند که در موقع نایب السلطنه اختلاف آراء احزاب مشاهده شد و در خارج و داخل هم مکرر باین مطلب اشاره شده است و این را بنده شخصاً حمل نمی کنم باینکه از اختلاف احزاب بود

بنده در نظرم هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم کم اصول مسلکی خودش را بره اغراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند بایاید (پرسنسی) باشند و دور يك اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بنده در بین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کیخسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه لغت فارسی در مقابل آنها نداریم و اگر اینطور نباشد بنده خواهش میکنم که کلمه تلگراف را بفارسی بیان بکنید که بدانیم — یکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرانامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک بعملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که يك مرانامه مینویسد و اشخاصیکه بدور آن مرانامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرانامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی يك مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند ایندور آن مرانامه جمع نمی شدند یعنی اگر يك مرانامه می بود که تصور میشد که مادام الحیات بهیچوجه منالوجه بمندرجات اونخواهیم رسید بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرانامه اخذ میکند ولی چون مرانامه ها کلیتاً يك چیزهائی هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که يك شخص یا يك فرقه يك مرانامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرانامه دیگری که آنرا تا کنیک مینویسند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصود خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرانامه لازم میدانم تا کنیک را از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که از هم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند بعقب هم بروند و باهم مدیکر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با يك فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا بنجاه سال دیگر از هم دور هستند تا پنج سال در تا کنیک همراه باشد و اختلاف بکند لهذا بنده ایندو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تأنید میکنم که ما باید يك مرانامه مسلکی داشته باشیم و يك مرانامه تا تنیککی که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم .

حالا يك مرتبه آنها را میخوانیم و رای هم می گیریم .

[ ماده ۶۲ — عبارت ذیل قرائت شد ]

ماده ۶۲ — هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات بجزم این تاخیر امر نماید با مستعفی که از نصف مواجب و مدد معاش سالی نه و با حق الجماله متجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبوعه اش بخواهد این تنبیهات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمامورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع باز هم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع به اتمام مدعی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند هر نوع مخارجی که از این باب حاصل میشود بعهده صاحب جمع است .

رئیس — حالا رای میگیریم باین ماده بطریقی که خوانده شد .

کسانی که باین ماده موافقت دارند قیام نمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس — با اکثریت تصویب شد حالا ماده ۱۴۰ قرائت میشود .

( باین عبارت قرائت شد )

ماده ۱۴۰ — مقرری اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل مدعی العموم بقرار ذیل است :

رئیس کل یکماهه ۱۸۰۰ قران

رؤسای محاکم و مدعی العموم نفری یکماهه ۱۳۰۰ قران

مستشاران و دفتر دار کل نفری ۱۰۰۰ قران

میزین نفری ۸۰۰ قران

رئیس — در فقره اول که رئیس کل است دو فقره پیشنهاد شده است یکی از آقای میرزا اسدالله خان یکی از افتخار الواعظین خوانده میشود و رای گرفته میشود در قابلیت توجه آنها .

اسدالله خان — بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم چون آن دفتهای لازمه در کمسیون شده است .

افتخار الواعظین — بنده هم پیشنهاد خودم را پس می گیرم .

رئیس — آقایان پیشنهاد خودشان را پس گرفتند .

حالا رای میگیریم بتصویب کمسیون که حقوق رئیس کل یکماهه ۱۸۰۰ تومان تصویب شده است .

کسانی که تصویب کمسیون را تصویب می کنند قیام نمایند .

( با اکثریت تصویب شد )

[ فقره ثانوی خوانده شد ]

رئیس — کسانی که فقره ثانوی را که ۱۳۰ تومان از برای رؤسای محاکم و مدعی العموم معین کرده است تصویب مینمایند قیام نمایند .

بنده در نظرم هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم کم اصول مسلکی خودش را بره اغراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند بایاید (پرسنسی) باشند و دور يك اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بنده در بین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کیخسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه لغت فارسی در مقابل آنها نداریم و اگر اینطور نباشد بنده خواهش میکنم که کلمه تلگراف را بفارسی بیان بکنید که بدانیم — یکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرانامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک بعملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که يك مرانامه مینویسد و اشخاصیکه بدور آن مرانامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرانامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی يك مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند ایندور آن مرانامه جمع نمی شدند یعنی اگر يك مرانامه می بود که تصور میشد که مادام الحیات بهیچوجه منالوجه بمندرجات اونخواهیم رسید بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرانامه اخذ میکند ولی چون مرانامه ها کلیتاً يك چیزهائی هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که يك شخص یا يك فرقه يك مرانامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرانامه دیگری که آنرا تا کنیک مینویسند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصود خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرانامه لازم میدانم تا کنیک را از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که از هم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند بعقب هم بروند و باهم مدیکر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با يك فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا بنجاه سال دیگر از هم دور هستند تا پنج سال در تا کنیک همراه باشد و اختلاف بکند لهذا بنده ایندو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تأنید میکنم که ما باید يك مرانامه مسلکی داشته باشیم و يك مرانامه تا تنیککی که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم .

بنده در نظرم هست یکی اینست که فرموده اند هر حزب سیاسی که مسلک معین برای خودش پیشنهاد نمی کند در خطر آنرا هست کم کم اصول مسلکی خودش را بره اغراض شخصی برد آن اشخاصی که در طرفی جمع میشوند بایاید (پرسنسی) باشند و دور يك اصولی جمع شده باشند یا اینکه باید اشخاص باشند و بشخصیات بپردازند بنده در بین عرض خودم مجبورم بفرانسه بگویم و مجبورم که از آقای ارباب کیخسرو عذر خواهی بکنم برای اینکه لغت فارسی در مقابل آنها نداریم و اگر اینطور نباشد بنده خواهش میکنم که کلمه تلگراف را بفارسی بیان بکنید که بدانیم — یکمسئله دیگری فرمودند و آن اینست که مرانامه ها نباید آمالی و آرزویی باشد بلکه باید نزدیک بعملیات باشد در این هیچ جای شبهه نیست که هر فرقه که يك مرانامه مینویسد و اشخاصیکه بدور آن مرانامه میگردند البته این را در مد نظر داشته افلا در مدت عمر خودشان آن مرانامه را بتوانند اجرا کنند و اگر این امید را نداشته بودند که در مدت زندگانی خودشان ولی يك مقداری از آنرا بتوانند اجرا بکنند ایندور آن مرانامه جمع نمی شدند یعنی اگر يك مرانامه می بود که تصور میشد که مادام الحیات بهیچوجه منالوجه بمندرجات اونخواهیم رسید بنده تصور نمیکنم که آنرا کسی مرانامه اخذ میکند ولی چون مرانامه ها کلیتاً يك چیزهائی هستند که بعد از چندین سال انسان باید به آنها برسد و از آن روزی که يك شخص یا يك فرقه يك مرانامه را برای خودش اتخاذ میکند چندین درجه را باید طی بکند از این جهت مرانامه دیگری که آنرا تا کنیک مینویسند که در آن تا کنیک معین میکنند که قدم قدم چطور پیش بروند تا اینکه بمقصود خودشان برسند و از این جهت است که بنده بهمان اندازه که بجهت فرق سیاسی با مسلک مرانامه لازم میدانم تا کنیک را از این جهت است که وقتی که تا کنیک معین شد اغلبی از احزاب که از هم خیلی دور هستند و از روی آن تا کنیک می بینند که از حالا فرضاً تا پنج شش سال دیگر میتوانند بعقب هم بروند و باهم مدیکر اختلاف میکنند و از برای آن فرقه هم هیچ عیبی نیست که با يك فرقه که در نظرات سیاسی خودشان تا بنجاه سال دیگر از هم دور هستند تا پنج سال در تا کنیک همراه باشد و اختلاف بکند لهذا بنده ایندو مسئله از یادداشت والا حضرت برداشته تأنید میکنم که ما باید يك مرانامه مسلکی داشته باشیم و يك مرانامه تا تنیککی که اگر از حیث تا کنیک بتوانیم با هر فرقه که در پارلمان هست اختلاف بکنیم .

[با کثرت تصویب شد]  
[فقره نالیه قرائت شد]

**رئیس** - کسانیکه فقره سیم را که به مستشاران و دفتر دار کل ۱۰۰ تومان داده شود تصویب میفرمایند قیام نمایند .

[با کثرت تصویب شد - فقره چهارم قرائت شد]

**رئیس** - کسانیکه فقره چهارم را مطابق راپورت کمیسیون در حق میزین نفری ۸۰ تومان یک ماهه تصویب میکنند قیام نمایند .

با کثرت تصویب شد

**رئیس** - حالا بتمام ماده رأی میگیریم .

**حاج سید ابراهیم مدرسی** - بعقیده بنده این قانون یک دو تقیصه دیگر دارد که باید ضمیمه شود باین قانون آنوقت رأی گرفته شود .

**رئیس** - بنده می خواستم رأی کلی بگیرم رأی بکلیه این ماده اخیر گرفته میشود رأی بکلیه قانون بعد گرفته میشود حالا رأی میگیریم بماده ۱۴۰ کسانی که ماده ۱۴۰ را تصویب میکنند قیام نمایند .

**رئیس** - با کثرت تصویب شد

حالا رأی میگیریم بکلیه قانون دیوان محاسبات یک ماده بود در خصوص تعیین حدود اعضاء دیوان محاسبات که اگر از حدود خود خارج شدند ارجاع کرده بود بوزارت مانیه یارنیس کل که پیشنهاد میکنند بمجلس و عزل او را می خواهد که در ماده پیش بود

که مسائل راجعه بمنزل را وزارت مانیه یارنیس کل پیشنهاد مجلس می کنند ولی در باب رئیس کل اشاره نشده است که اگر از حدود خود تجاوز کرد در آنجا تکلیف چیست و بنده عرض میکنم تا این مسئله معلوم نشود که رئیس کل مسئول کیست اگر مسئول وزارت مانیه است یا اینکه این هیئت ملی است و تا مدت هم بر نیاید من فصل نمیشوند این اتفاقات دارد و اگر مسئول مجلس است این هم نمیشود بجهت اینکه

وزراء را میشود اینجا احضار کرد پس باید معلوم کرد که رئیس دیوان محاسبات مسئول کیست که اگر از حدود خود تجاوز کرد چه باید کرد مجازاتش چیست و دیگر آنکه هر قانونی که ما نوشتیم چون مجازاتی برایش معین نکرده ایم مبتلا شده ایم مثلا اگر در قانون بلدیه وقتی که می نوشتند ملاحظه اینرا کرده بودند که اگر اعضاء بلدی به تکالیف خود رفتار نکردند تکلیف چیست آنوقت خیلی از زحمات ما

کم میشد و همچنین در سایر قوانین پس بنده عرض میکنم که اگر در این قانون بعضی از مطالب در تعیین تکالیف و حدود و مجازات آنها بهتر بود بجهت اینکه

اگر ما بخواهیم این قانون بتأخیر نیفتد باید حدود و مجازات اعضاء دیوان را معین کنیم که ترتیب عزل و نصب اعضاء و همچنین ترتیب عزل و نصب رئیس کل که بجهت ترتیب باشد و الا مثل قانون بلدی به دچار اشکالات خواهیم شد .

**حاج آقا** - راجع به پیشنهاد عزل و اخراج همان دو ماده که نوشته شده گمان میکنم کافی باشد بجهت اینکه نوشته شده اعضاء دیوان محاسبات خارج

نیست و بدیهی است که اگر لزوم پیدا کند عزل او وزیر مانیه می تواند عزل و اخراج او را پیشنهاد مجلس کند و عزل او را بخواهد و گمان میکنم مذاکره کافی باشد و در خصوص مجازات که فرمودند از برای کاتب این قوانینی که نوشته شده باید یک قانونی نوشته شود در مجازات و اگر بنا شود از برای هر یک از قوانین یک قانون مجازات پهلوی آن نوشته شود این این خیلی چیز زیادی خواهد شد پس یک قانون مجازات از برای کلیه دوایر دولتی انشاء الله آنهم از طرف وزراء پیشنهاد میشود و در مجلس خواهد گذشت .

**رئیس** - حالا بکلیه قانون دیوان محاسبات رأی میگیریم .

کسانی که این قانون دیوان محاسبات را تصویب می نمایند قیام نمایند .

[اغلب قیام نمودند]

**رئیس** - به اکثریت ۶۰ نفر از ۷۳ نفر تصویب شد . حالا قانون ثبت استناد خوانده میشود .

**مؤتمن الملک** - قانون مالیات تریاک یک ماده اش بیشتر نمانده است خوب است آرامم دارم .

**رئیس** - چون آنهم جزو دستور است مقدم می داریم آن ماده قانون تریاک را بخوانید .

[راپورت کمیسیون قوانین مانیه بعبارت ذیل قرائت شد .]  
لایحه قانونی مالیات تریاک را که پس از تصویب ماده اول با پیشنهاد های راجعه بماده دو بکمیسیون رجوع شده بود پس از چندین مذاکرات لازمه بعقیده کمیسیون بر این شد :

که اولاً در ماده بعد از کلمه تریاک لفظ مانیه اضافه شود .  
ثانیاً ماده دو را به ترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد می نماید :

ماده دو - معض جلو گیری از مضار استعمال تریاک و شیره سوخته آن اولاً دولت سوخته تریاک و فروش شیره آنرا منحصراً متصدی خواهد بود و هر متقال شیره سوخته هر قدر برای دولت تمام شود

باضافه سیصد دینار بفروش میرسد . ثانیاً از اول سال سیم تا آخر سال هفتم بعد از تاریخ وضع این قانون هر ساله بهر متقال تریاک و شیره سوخته یکصد و پنجاه دینار بر مالیات سال قبل افزوده میشود و از اول سال هشتم استعمال شیره کلیناً و استعمال تریاک

غیر از آنچه برای دوا لازماًست ممنوع خواهد بود .  
(ماده ۳ ماده ۴ مطابق راپورت سابق کمیسیون عیناً تصویب شد .)

**رئیس** - خاطر مبارک آقایان مسبوق است که تقاضای فوریت این قانون شده است پس این موادی که خوانده می شود بیکی یکی رأی می گیریم و خواهش میکنم از آقایانی که نطقشان مفصل است پای تریبون تشریف بیاورند .

**حاج وکیل الرعایا** - چون عرایض بنده مختصر است همین جا عرض می کنم در صورتی که دولت مقصودش این باشد که بواسطه ایجاد یک

چنین مالیاتی استعمال تریاک را در مملکت کم بکنند باین که بکلی منسوخ بشود باینکه این لفظ مانیه را در اینجا اضافه بکنند آن نتیجه مطلوبه حاصل نمی شود چنانچه پرورد روز عرض کردم تریاک مالدین برای کسی که بخواهد بکشد چندان اهمیت ندارد زیرا هر قدر بخواهد می تواند در مکان مخفی بمالد ولی اگر دولت بخواهد کشیدن این تریاک را بهر قیمتی که ممکن است تریاک بدهد به اهل مملکتش ناچار است بعقیده بنده که هر ترتیبی که می دهد به آن شیره که از خشخاش بیرون می آید و آنرا هم تریاک می گویند دولت خودش یک نوع دخالتی داشته باشد یعنی دولت در مالدین آن دخالت داشته باشد که در یک دایره دولتی آن شیره مالدین شود و در این خصوص دو نظر اساسی پیش من هست یکی آن است که در آن چونه که از مملکت خارج می شود اگر در آن دولت مداخله کرد محفوظ می ماند از خیانت و این برای تجارت یک وسیله است اساسی و یکی کمک اساسی است چنانچه در این باب دقت نکردیم و آنهم حالا خارج از موضوع من است که چه ضرر های بزرگ وارد شد به اینکه دولت دقت نکند وجه ضرر های بزرگ وارد شد به تجارت و دولت یک دقتی نکرد که تریاک که از مملکت خارج می شود از هر تقلبی این باشد و اگر حالا دولت خودش را داخل کند که هر قدر تریاک بیرون می آید در تحت نظارت خودش بگیرد و بعد آن مقادیر را که راجع بحدود مملکت است جواز بدهد و آن مقادیر که از حدود مملکت خارج باید بشود باید جواز بدهد و بعد در سرحدات گمر کشان را بدهند و خارج می شوند و آن تقلب را خواهد گرفت و همین اولهای تریاک را که در مملکت خرید و فروش می شود برای کشیدن یک مالیاتی وضع می کند تصور نمیکنم که آن نتیجه مطلوبه حاصل شود و آن مقصود مقدس که مقنن نظرش به اوست که ترک

استعمال او باشد بدست نخواهد آمد بجهت این که می توانند تریاک مالدین را خودشان فراهم بیاورند و منتهی بمداز یک پنج شش ساعتی بیش از این زحمت ندارند .

**فهییم الملک** - این را بطوری که فرمودند در ماده اول لفظ مالدین نبود فقط لفظ تریاک بود و مقصود هم این بود که به آنچه اطلاق لفظ تریاک می شود به آن مالیات بسته شود و آن شده که می فرمایند به او مالیات متعلق نخواهد گرفت زیرا پنج شش متقال اشیا بد یک متقال تریاک است علاوه چطور می توان در آن تقیصت کرد که او مالیات خودش را داده است یا نداده است و دیگر آنکه چون تریاک

اطلاق بهمان مالدین می شود و بشیره اطلاق تریاک نمیشود اینجا هم همانطوریکه گفته شد یک اشتباه بین زارعین و غیره فراهم می آید چون مایل محظورانی را هم در نظر آورده بودیم و مقصود اصلی ما گرفتن مالیات از تریاک نه اینکه خود مالیات بود بلکه تریاک استعمال آن باین جهت همان لفظ تریاک را موضوع قرار دادیم و چون شیره را ممکن است در هر خانه هر کس بخواهد خودش بمالد دیگر نمیشد آنرا هم قید کرد لکن این قبیل جرحه قاچاق محسوب

نمیشود و از برای جلوگیری از قاچاق بطوریکه در ماده آخر ذکر بشود وزارت مانیه مجاز است یک اداره تقیصت قاچاق ترتیب بدهد چنانچه در سال گذشته قرار داده بودند و چون مقصود وضع گرفتن مالیات از تریاک بود کاری که کمیسیون کرد برای این مسئله چند اداره تریاک مالی معین کردند که بیاورند آنجا بمالند لوله منسای ترتیب می دهند و مالیاتش را میگیرند پس همانطوریکه منظور نظر است آن مقصود بعمل می آید و بآن نظامنامه که وزارت مانیه مدون خواهد ساخت بدون اینکه پاره ای محظورات و بعضی احتمالات داشته باشد و هیچ از ابتداء مقصود مانده است که مالیات از شیره تریاک گرفته شود و این را که ننوخته اند که آنرا وزارت مانیه جزو نظامنامه خودش باید طوری بکنند که اسباب اشکال فراهم نباشد و طوری بکنند که جلوگیری از قاچاق بشود .

**حاج وکیل الرعایا** - شاید بنده نتوانستم که بعضی آقایان برسانم که مقصود من هم همان چیز است که مخیر محترم بعضی آقایان رسانیدند مقصود بنده این نبود که از شیره تریاک وقتی که از خشخاش بیرون می آید بگیرند زیر این بنده حامی پیشرفت تجارت مملکت هستم که آخر نجات مملکت بسته باوست بلکه اگر برای بنده بود شاید راضی می شدم که گمرک او هم بخشیده شود برای همین مقصود مقدس عرض کردم که اینجا دولت از یک قانون دو نتیجه بگیرد یکی اینکه از مالدین و قاچاق و یکی دیگر در تقلب تجارتی که همه کس می دانند که ناچانه اندازه

بجارت ایران از این چیز خیلی مختصر ضرر وارد آمده و چه خانواده های بزرگ را سرنگون همین تریاک های تقلبی را که حمل کردند بچین و مهل گردید که خیلی افتضاح برای این مملکت و تجارت ایران بار آورد که واقع خیلی مضر بود برای این مملکت وقتی که خاطر می آید چه عرض کنم که چه

حالی بسرم می آید مقصودم این بود که آن خطر هم از این مسئله رفع شود که کلیه تریاک در تحت نظر دولت در یکجا جمع شود و مالدین شود همین که مالدین شد دو حال پیدا میکند یکی این که چونه می شود بشکل قند ارسی که میزانش ۹۹ متقال است در یک صندوق می بندند و این باب چنین است و حمل می شود و دو حش اوله میشود برای مصرف مملکتی بشرتیبی که خودشان مقرر خواهند فرمود و یک راهی برای گرفتن مالیاتش بدست خواهد آمد که بهتر از هر ترتیبی است و آنچه از مملکت خارج می شود در سرحد جواز می دهند و گمرک او را می پردازند و بدون تقلب می برند و آن چونه را هم بصرف داخله برای کشیدن که ممکنست نرسانند لذا بهمان چونه هم مهر دولتی می خورد و این تجارتی که از دست شما رفته است بدست خواهد آمد .

**فهییم الملک** - در اینجا لازم است خاطر حاج وکیل الرعایا را مستحضر سازم که منتظر نباشند که تریاک هائی که از ایران خارج می شده است یک اهمیت پیدا کند و باز هم بخارج حمل شود بلکه منتظر باشند که تمام بر گردد زیرا همه تریاک ها در چین توقیف شده است تمام بر می گردد به مملکت

زیرا در آنجا اقداماتی کرده اند که عنقریب در سه سال دیگر بکلی موقوف و استعمال نمیشود و ثانیاً برای استحضار خاطر مبارکشان عرض می کنم الان مقدار کلی از تریاک های ایرانی ها مخصوصاً توقیف است و هیچ استعمال نخواهند شد و مقداری از زمین های زراعت تریاک را بجای تریاک باید چیز های دیگر بکار برند زیرا هیچ استعمال در آنجا نخواهد شد .

**وکیل التجار** - بنده باین لفظ مالدین مخالف هستم که در اینجا نوشته شود به یک ملاحظه خیلی مهم یک قسمتش را اظهار کردند که تریاک مالدین یک قسمت بزرگش آنست که برای حمل بخارج مالدین شود و ممکن است همانرا تمیز نمالند برای مصرف داخلی باسم حمل بخارج و چیز دیگری را هم می شو هم عرض کنم در این مورد موارد و موارد اینجا خصوصاً این را ملتفت باشند که مادرا اینجا یک مالیات از برای جلوگیری از استعمال تریاک قانونی وضع میکنند و اگر بخواهیم تمام جزئیات و قاچاق او را اینجا بکنیم این خیلی مشکل است که باید فقط برای کلی را در اینجا داده بعد در وزارت خانه این اقدامات را خواهند کرد و برای جلوگیری نظامنامه ای که لازم است بطور صحیح وضع خواهند کرد و بطور خیلی صحیح و سختی جلوگیری او بعد از یک مختصر تجربه ای میشود یعنی در یک وزارتخانه که تجربه کردند دیدند که از فلان ترتیبی که دادند باز قاچاق میکنند و مخفیانه استعمال می کنند ترتیب سخت تری میدهند و این چیزها را در این قانون که ما وضع نمیشود بکنیم که بدو ماده است این باید بانجام وزارتخانه در مدت معینی باشد و با امتحانات وزارتخانه جلو گیری شود بتدریج در مدت یکسال دو سال سه سال تا آنوقت بکلی قطع شود و اینکه بنده عرض کردم لفظ مالدین را برداریم برای جلوگیری از قاچاق است خیر بلکه برای اینست که تجارت در خانه ها شان تریاک کلی میخرند و میمالند آنوقت متعرض هر خانه ممکن است بشود که اینجا تریاک میمالند او بگوید که برای تجارت و حمل بخارج مالدین میشود آن مفتش بگوید خیر برای مصارف مملکت میمالند و یک اسباب زحمتی بشود اینکه بنده عرض میکنم که این جزئیات را باید وا گذاشت بوزارت مانیه و لفظ مالدین را باید برداشت و وا گذاشت بخودشان آنوقت بنده گمان میکنم اگر یک چندی بگذرد اینطور صلاح بداند همان تریاک که از خشخاش وقتی که بیرون می آید مالیات بگیرند و آن قسمتش که خارج میشود از مملکت مالیاتش رد کنند که دیگر هیچ ممکن نشود برای این که قاچاق کنند در رد کنند این یک ترتیبی است که بعد بطور امتحان معلوم خواهد شد .

**حاج شیخ اسدالله** - اما اینکه میفرمایند لفظ مالدین را اینجا دارند بنده بر حسب عقیده ام عرض میکنم برای کافی نبودن ماده خیلی لازم است زیرا احساس کردیم وضع ما در این خودمان را که چقدر اسباب زحمت و وقتی که یک همچو مطابقی را بدست آنها بدهیم آنوقت در تمام دهات و بلوکات هر بیچاره که یک چیزی تریاک زحمت کشیده عمل آورده ما در این قسمی میسازند که بکلی از زراعت مأیوس میشوند - خوبست در این فقره توجه شود .

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

**کاشف** - بنده عرض میکنم که مقصود از این ماده دویم دو مقصود است که در نظر گرفته و حال آنکه یکی از این دو مقصود اساسی ندارد این دو مقصودی که دولت در نظر گرفته یکی ترتیب گرفتن مالیات است از این محصول و یکی جلوگیری از مضرات این چیزی که تا بحال اسباب تنزل و ضرر مردم شده است یکی هم عرض کردیم از برای اخذ مالیاتش است در صورتی که قسم اخیرش بنده اعتقد ندارم برای اینکه بدیهی است که دولت برای جلوگیری از ضرر اینکار را می کند اگر بجهت جلوگیری از ضرر باشد آن ضرری که در تریاک مالدین هست بدیهی است که در تریاک مالدین هم هست پس چطور می توان گفت که از مالدین یک مالیاتی بگیرند و از مالدین نگیرند در ماده اول این قانون در جلسه گذشته عرض کردم و دیگر تکرار نمی کنم ولی اینکه دومین کمیسیون لفظ مالدین را زیاد کرده ممکن است هر کس تریاک مالدین را بیاورد و خودش بمالد و آن چیزی که مقصود دولت است بعمل نیاید و هم ضررش راجع بر مردم باشد و هم دولت نتواند آن قسمی که باید جلوگیری نماید بکنند این بهتر است که بطور صراحت معلوم باشد ما میگوئیم که دولت خودش ترتیبی برای جلوگیری از قاچاق و غیره خواهد داد خیلی خوب است که این ملاحظه را هم بکنیم که در وقت گذراندن قانون صحیح بگذرد و آن مقصود بعمل می آید به معض اینکه نوشته شده مالدین چنین میماند (مالدین آزاد است و هر کس میتواند که مالدین را خودش بیاورد بمالد و این هیچ چیز او را نمی تواند جلو گیری کند و اما در خصوص اینکه فرمودند در خارج تریاک نخواهد رفت بنده عرض میکنم و حال آن که تکذیب می کنیم فرمایش آفسای مخیر را اگر این مطلب صحیح باشد این خیلی لازم است که جلو گیری از ورود از خارج بشود هم کرد بااست که همان طوری که گفته شد از خارج یک قیمت خیلی مناسبی بگیرند همان طوری که از بعضی چیز هائی که خارجه ها اینکار را میکنند و ما نمی توانستیم بکنیم در این خصوص دچار محظورات خواهیم شد پس بنده تقاضا می کنم که به مالدین هم مالیات بسته شود که مقصود دولت هم درست بعمل بیاید

**فهییم الملک** - بنده خیلی تعجب می کنم از فرمایشات آقای کاشف بجهت اینکه یکی از اشخاصی که مخالف بودند باین ماده که این مالیات تریاک مبهم نوشته شده آقای کاشف بودند که میفرمایند مراد تریاک مالدین است در روز بعد از بنده توضیح خواستند که مراد کدام است این از مالدین است مالیات میگیرند یا از مالدین است اگر مالدین است چرا توضیح نمی فرماید بنده گمان می کنم با راپورت کمیسیون مخالف هستند عرض می کنم که مقصود وزارت مانیه و نه کمیسیون و نه مجلس مقصودشان نیست که از تریاک مالدین یا مالدین مالیات گرفته شود مقصودشان این است که از تریاک مالیات گرفته شود یعنی از آن چیزی که در داخله استعمال می شود مقصود این است که از مالیاتی که گرفته می شود از تریاک مالدین گرفته شود و شیره مالدین چون محل استعمال مالی ندارد که از آن مالیات بگیرند

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

**کاشف** - بنده عرض میکنم که مقصود دولت است بعمل نیاید و هم ضررش راجع بر مردم باشد و هم دولت نتواند آن قسمی که باید جلوگیری نماید بکنند این بهتر است که بطور صراحت معلوم باشد ما میگوئیم که دولت خودش ترتیبی برای جلوگیری از قاچاق و غیره خواهد داد خیلی خوب است که این ملاحظه را هم بکنیم که در وقت گذراندن قانون صحیح بگذرد و آن مقصود بعمل می آید به معض اینکه نوشته شده مالدین چنین میماند (مالدین آزاد است و هر کس میتواند که مالدین را خودش بیاورد بمالد و این هیچ چیز او را نمی تواند جلو گیری کند و اما در خصوص اینکه فرمودند در خارج تریاک نخواهد رفت بنده عرض میکنم و حال آن که تکذیب می کنیم فرمایش آفسای مخیر را اگر این مطلب صحیح باشد این خیلی لازم است که جلو گیری از ورود از خارج بشود هم کرد بااست که همان طوری که گفته شد از خارج یک قیمت خیلی مناسبی بگیرند همان طوری که از بعضی چیز هائی که خارجه ها اینکار را میکنند و ما نمی توانستیم بکنیم در این خصوص دچار محظورات خواهیم شد پس بنده تقاضا می کنم که به مالدین هم مالیات بسته شود که مقصود دولت هم درست بعمل بیاید

**فهییم الملک** - بنده خیلی تعجب می کنم از فرمایشات آقای کاشف بجهت اینکه یکی از اشخاصی که مخالف بودند باین ماده که این مالیات تریاک مبهم نوشته شده آقای کاشف بودند که میفرمایند مراد تریاک مالدین است در روز بعد از بنده توضیح خواستند که مراد کدام است این از مالدین است مالیات میگیرند یا از مالدین است اگر مالدین است چرا توضیح نمی فرماید بنده گمان می کنم با راپورت کمیسیون مخالف هستند عرض می کنم که مقصود وزارت مانیه و نه کمیسیون و نه مجلس مقصودشان نیست که از تریاک مالدین یا مالدین مالیات گرفته شود مقصودشان این است که از تریاک مالیات گرفته شود یعنی از آن چیزی که در داخله استعمال می شود مقصود این است که از مالیاتی که گرفته می شود از تریاک مالدین گرفته شود و شیره مالدین چون محل استعمال مالی ندارد که از آن مالیات بگیرند

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

**کاشف** - بنده عرض میکنم که مقصود دولت است بعمل نیاید و هم ضررش راجع بر مردم باشد و هم دولت نتواند آن قسمی که باید جلوگیری نماید بکنند این بهتر است که بطور صراحت معلوم باشد ما میگوئیم که دولت خودش ترتیبی برای جلوگیری از قاچاق و غیره خواهد داد خیلی خوب است که این ملاحظه را هم بکنیم که در وقت گذراندن قانون صحیح بگذرد و آن مقصود بعمل می آید به معض اینکه نوشته شده مالدین چنین میماند (مالدین آزاد است و هر کس میتواند که مالدین را خودش بیاورد بمالد و این هیچ چیز او را نمی تواند جلو گیری کند و اما در خصوص اینکه فرمودند در خارج تریاک نخواهد رفت بنده عرض میکنم و حال آن که تکذیب می کنیم فرمایش آفسای مخیر را اگر این مطلب صحیح باشد این خیلی لازم است که جلو گیری از ورود از خارج بشود هم کرد بااست که همان طوری که گفته شد از خارج یک قیمت خیلی مناسبی بگیرند همان طوری که از بعضی چیز هائی که خارجه ها اینکار را میکنند و ما نمی توانستیم بکنیم در این خصوص دچار محظورات خواهیم شد پس بنده تقاضا می کنم که به مالدین هم مالیات بسته شود که مقصود دولت هم درست بعمل بیاید

**رئیس** - به آن ماده نرسیده ایم هنوز

باید ادرا با مانند و تریاک بکنند آنوقت از اموالیات بگیرند و باید پنج شش مثقال ببرند مانند یک مثقال کنند و مالیات او را بدهند بگریز تریاک سوخته و شیره آن چطور میتوان مالیات بست و حال حاضر میکنم مقصود این است این مالیات از تریاک ماییده گرفته شود - حالا اگر اکثریت تصویب بکنند همان لفظ تریاک مطلق نوشته شود زیرا لفظ تریاک مطلق بهمان ماییده اجلاق می شود و از آن مالیات گرفته شود نه از ماییده عرض میکنم مقصود این است که از تریاک شیره مالیات گرفته شود پس بهمانطور و دیگر گفته شد که می گویند چونه را برای تجارت میگویم می توان استعمال بکنند ولی اینجا ابتدا برای اوله و چونه نیست مقصود تریاک ماییده است اگر در داخله استعمال شد و اگر برای تجارت بود ممکن است که وزارت مایه از آن مالیات نگیرد و این دیگر ربطی به اینجا ندارد از ماییده اوله و چونه و غیره تمام آنها مالیات گرفته میشود و در موضوع تریاک که بخارچه میبرد کمیسیون این نظر را داشته و با وزارتخانه هم مذاکره کرده است و بطوری که در آتیه آن مقصود مقدس را که مجلس و دولت در نظر دارد بطور سهولت انجام پذیر شود.

**محمد هاشم میرزا** - بنده نمی دانم بعضی فرمایشات آقایان فرمودند باید بخاطر آورد که تمام این مطالب را از زمین و کلی اورانی شود در نظر آورد و نمیشود تصور کرد وقتی که متفانون می نویسند فرض میکنیم که یک آب شوری که هست بر میدارند استعمال بکنند این راجع میشود به نمک یا یک فردی که احتمال میبرد در عرض سال برایش صورت خارجی پیدا کند ممکن نیست که برای آن قانون وضع کرد و آن راه مالیات ببندیم این قابل این مذاکرات نیست هر چه آقایان تصور کنند بنده عرض میکنم که هر فردی ممکن است شامل خیلی تصورات شود - خوب است رأی گرفته شود.

**رئیس** - حالا باید در این خصوص رأی گرفت ولی اشکالی در اینجا هست برای اینکه به این ماده اول سابقاً رأی گرفته شده است یعنی بدون این که این لفظ ماییده اضافه شده باشد - حالا این لفظ را اضافه کرده اند اینجا بنده تصور میکنم بهتر این باشد که اول به این لفظ رأی گرفته شود که آن را جزء بکنیم یا خیر بعد به کلیه ماده رأی گرفته شود حالا در این لفظ ماییده رأی میگیریم و رأی هم باید با و رفته باشد.

**فهییم الملک** - چون در ماده اول در اصل مالیات مثقالی سیصد دینار باورقه رأی گرفته ایم - حالا رأی در لفظ است بقیام و قعود کافی است.

**رئیس** - خیلی خوب پس رأی میگیریم کسانی که با این لفظ ماییده که اضافه شده است موافقت بقیام نمایند.

(به اکثریت تصویب شد.)

حالا بتمام این ماده اول رأی میگیریم باورقه ( اظهار شده رأی گرفته شده باورقه )

**رئیس** - پس اگر مخالفی نیست که حرفی نداریم - (مخالفی نبود)

[ماده ۲ بهضمون ذیل قرائت گردید]

ماده ۲ - معض جلوگیری از مضار استعمال تریاک و شیره سوخته آن اولاً دولت خرید سوخته تریاک و فروش شیره آن منحصرأ متصدی خواهد

بود و هر مثقال شیره سوخته هر قدر برای دولت تمام شود با اضافه سیصد دینار بفروش میرسد تا آنجا اول سال ۳ تا آخر سال ۷ بعد از تاریخ وضع این قانون هر ساله بهر مثقال تریاک شیره سوخته یکصد و پنجاه دینار بر مالیات سال قبل افزوده می شود که در سال هشتم استعمال شیره کلیتاً و استعمال تریاک غیر از آنچه برای دوا لازم است ممنوع خواهد بود

**رئیس** - این ماده دوم دارای چندین فقره است و بنده گمانم این است که اگر تمام رأی مرتبه مطرح شود قرار بدهیم نتیجه نمیتوانم به بگیریم این است که هر فقره علیحده مطرح شود می کنیم در فقره اول اگر فرمایشی است بفرمائید و فقره اول این است که دولت خرید سوخته تریاک و شیره آن را متصدی خواهد بود در این فقره فرمایشی اگر هست بفرمائید.

**دکتر علی خان** - بنده درین فقره می خواستم علت این انحصار را برای دولت بدانم که چه فایده برای دولت دارد خواهش دارم توضیح بفرمائید.

**فهییم الملک** - خاطر آقایان هست که اول مرتبه که این ماده مطرح شد خیلی بیستها دعاها شد بعضی راجع بافروندن مالیات و بعضی ها با آزاد گذاشتن بعضی ها راجع بجلوگیری کلی که هم استعمال نشود و هم حق دولت را بگیرند شده بود در کمیسیون با اشخاصی که امروز در مایه متصدی این امر هستند مذاکره شد جلوگیری این مطلب یک مرتبه هیچ امکان ندارد زیرا که در همه جا این تریاک استعمال می شود و فقط همین قدر گفتند که از ارسال تا حالا که این اقدام شده است ۲۰٪ کم شده است از روی استعمال معین کرده اند ولی تریاک هنوز آزاد است و می کارند زیرا تا هر وقتی که آزاد است تریاک کاری ممکن است شیره سازند و استعمال بکنند علاوه کسانی که معتاد هستند به استعمال شیره ممکن نیست که یک مرتبه ترک بکنند و بعضی او تریاک استعمال کنند ناچارند یک مثقال یا بیشتر از مقدار استعمال او کسر کنند این بود خواستیم یک مالیاتی برای او قرار بدهیم و آن اشخاصی که متصدی اینکار هستند گفتند این چیزی نیست که مالیات از برایش وضع کنیم یا باید بکلی صرف نظر کنیم یا اینکه باید همه روزه گرفتار منازعه و مشاجره با اشخاصی که مبتلای بشیره هستند بنماییم زیرا شیره تریاک را ممکن است بمالند و مالیات بگیرند لیکن سوخته یک چیزی است که نمی شود از او به یک طور صحیحی مالیات گرفت سوخته را هم اگر پاکت کنند معلوم نیست که این پاکت چه پاکتی است چون یک حجم معینی ندارد از آنجهه نمی توان یک مالیاتی بر آن قرارداد بهتر است که دولت خودش متصدی این کار بشود و اینکه اظهار شده که این منافات با شئون دولت ندارد برخلاف اکثریت کمیسیون بلکه بالاتفاق رایسان بر این بود که امروزه دولت هر اقدامی برای رفع این سم مهلک که ملت بیچاره را از کار انداخته است و بیکار کرده نماید خیلی اسباب نیکنامی دولت خواهد بود چنانکه می بینیم سایر

دولتی که با بجاده تمدن گذاشته اند و همین راه را پیروند و نندازند کاری که کرده اند جلو گیری از این کار مضر کرده اند پس این را دولت جلب منفعت خود نمی کند بلکه این است که تمام افراد این مملکت را از یک سدمه بزرگی نجات بدهد پس باین جهت صلاح دیدند که انحصار داشته باشد و بهمان ترتیب مالیات را هم می گیرند نهایت نظر باید باین باشد که تریاک و سوخته با هم باجور باشند و ممنوع و جلو گیری شوند زیرا عرض میکنم مادام که تریاک وجود دارد شیره هم استعمال میشود و نمی توان گفت تریاک استعمال نکنید ولی سوخته آن را استعمال بکنید و این متدرجاً اسباب این می شود که هم از استعمال او کم میشود هم بکلی رفع این غائله خواهند شد این است که جلو گیری از مضار او این وسیله بنظر کمیسیون و آن اشخاص بصیر به این کار رسید.

**حاج وکیل الرعایا** - کسانی که میخواهند نمیرند می توانند خودشان را با این تریاک ماییده حفظ کنند همین تریاک ماییده که نصف زندگی است اینقدر میکشد که بعد از ملاحظه میکنیم این چیزی نیست که مذاکره در او بشود.

**حاج وکیل الرعایا** - کسانی که میخواهند نمیرند می توانند خودشان را با این تریاک ماییده حفظ کنند همین تریاک ماییده که نصف زندگی است اینقدر میکشد که بعد از ملاحظه میکنیم این چیزی نیست که مذاکره در او بشود.

**آقا شیخ اسدالله** - این اشکالات و نظریاتی که امروز در اینجا ذکر شد هیچ محل توجه کمیسیون نشده است و جهت اینکه این ماده برگشت بکمیسیون آقای مغیر باید بنظرشان باشد اشکال این بود که آیا سوخته تریاک مالیات دارد یا ندارد اگر سوخته تریاک مالیات ندارد و نفش همین کشیدن و استعمال کردن است یعنی همین استعمال مضر باشد آنوقت اصل خرید و فروشش حرام است باید دولت منع بکند که ترک این سم مهلک بشود با اینکه شغلی برای دولت قرار بدهیم که از سوخته تریاک تجارتی بکنند.

بنده عرض میکنم که این ماده را بهیچ وجه من الوجوه در این قوه اولی هم باشد نمی توان رأی گرفت بجهت انحصار خریدش بدولت بچه میزانی است و فروش او بچه میزانی است میزان قیمت او را بچه نوع باید تعیین کرد تصور میکنم که اگر هم مضر نباشد و حرام نباشد و مالیات نداشته باشد و انحصارش بدولت برای چیست و اگر فایده دیگر در او متصور باشد آنوقت اصل انحصارش بدولت از چه راه است که حکما باید بدولت بفروشد بچه قیمت بدولت بفروشد و بچه میزان قسمت بندی بکند اینها هیچ کدام را نمیشود محل صحیحی برایش قرار داده و بنده از قرار مذاکراتی که آن روز مذاکره شده فهمیدم این فقط برای کشیدن است و حرام است دولت باید یک قانونی وضع کند که بکلی منع شود میزان قیمت او را بچه نوع تعیین بکنیم و چگونه مالک را قانع بکنیم که بدولت بفروشد اینها هیچ کدامش را نمیشود یک میزان و محل صحیح برایش قرارداد و کلیتاً این استعمال شیره تریاک بکلی باید متروک شود و باید آینه آوردن و خریدن او را هیچ تصویب نمیکنم.

**فهییم الملک** - آن نظری را که در خانه فرمایش خودشان آقای شیخ اسدالله فرمودند نظر کمیسیون و مجلس هم بهین است و ثانیاً آنرا که حاج وکیل الرعایا فرمودند کمیسیون مخصوص و

دولت مدت برای او قرارداد که بعد از پنج شش سال دیگر را بدست کسی ندهد و توفیق شود و ابتدا عمل آوردن و فروختن او را صحیح نمی دانیم هیچ متصدی نبود که دولت این را ول کند و صرف نظری بشود و این ماده برای همین کار است که همه ارواح مکرم باشند و همه انسان دوست باشند و این از کجا میزبان تعدیل است که خرج در رفته مثالی شش شاهی بر او بیفزایند و بمردم بفروشد باز هم عرض میکنم و ناچارم که نظریات خود را عرض کنم و رأی منفردهم باشم و شهید اکثریت تازه کردم عرض میکنم این قانون را بنده عقلاً و شرعاً و عرفاً جایز نمی دانم و برگشت بکمیسیون که اصلاح شود مع التأمین اصلاح نشده آمد به مجلس.

**آقای سید حسن مدرس** - فرمودند آقایان که در جلسات سابقه عرض شد که مقصود جلوگیری از این سم قاتل است مقصود دیگری نبود باین دلیل که آقای مغیر فرمودند می فرمائید که کمیسیون اول اینطور گفتند فرمایش اول کمیسیون هم که دلیل نیست سابقاً بر اینکه بنده خاطر دارم در اغلب شهرهای ایران گمرک داشت هر جنس که از این شهر بآن شهر میرفت یک گمرک میگریفتند یعنی جلوی او را میگریفتند حالا با یک چیزی از او میدادند بدولت یا نمیدادند کلری ندارم و اگر دولت خرید سوخته را و شیره کشیده ای مشتری می کردد باین این نمی گردد که بفروشد آنرا و اوجدان خودمان را کجا برده ایم این همین قدر که شما تنزیه می فرمائید اولیای امور ابتدا ما را تنزیه فرمائید آن اولای اموری که منزه هستند که تمام مراعات را طی کردند و تمام چیزها را ادراک کرده باشد ولیکن اولیای امور حالیه ما امور گهواره هستند ابتدا اطلاعی از وضع امور ندارند که تریاک را چگونه بفروشد سوخته را باید چه قسم ضبط کنند و چه قسم حمل کنند آخر شما تصور میفرمائید که دولت سوخته بخرد و شیره بکشد نمی فرزند و اگر تصور میفرمائید که تصویب بکنید انحصار را بدولت انحصار و امتیاز ممکن است در بعضی چیزها مجلس تصویب فرماید و بانه شرع هم تصویب فرماید میرسیم بآنجا لیکن این انحصار فرض جلوگیری است و جلوگیری مالیات ندارد و خلاف شرع است تجویزش و اگر مالیات دارد که نباید تلف کرد جهتی ندارد مثل سایر چیزهایی که سابق گمرک بگریفتند و این گمرک گرفتن گران باید باشد تا بتدریج این سم قاتل رفع شود عرض بنده این است که ماده دوم علاوه بر این که نتیجه بر او مترتب نیست خلاف است صورت شرع ندارد

**حاج شیخ الرئیس** - بنده در جلسات سابقه در این خصوص نظریات داشتم عرض کردم حالا چون باز موضوع مذاکره شد ناچارم عقیده خردم را عرض کنم آنوقت رد و قبولش با اکثریت مجلس است بنده چند نظر دارم در این ماده یکی آنکه نمی توانم خود را متقاعد کنم که این اقدام دولت با اینکه افکار اولیای دولت را تقدیس می کند ولی مطمئن نیستم که این اقدام در انظار عامه و خارجه با آن نیت یا کسی که دولت در نظر دارد معرفی کند بلکه یقین دارم طوری معرفی میکنند که گویا دولت برای یک منفعتی و برای یک جلب ثروتی و دخل مالیاتی یک سم مهلکی را که قاطع حرت و نسل است میخواهد در مملکت خودش اداره کند برخلاف سایر ممالک که اتباعش گرفتار این سم مهلک بودند و حالا بچه وسایل و بچه اقدامات مجدانه جلوگیری میکنند و حالا دولت ما را طوری دیگری معرفی میکنند و این خیلی برای بنده با آن جدیتی که در حفظ شرف دولت دارم و باید اقدامات دولت موافق آن شرافتی که برای هر دولت لازم است خاصه این دولت قوی شوکت با شریعت اسلامی - نظر دیگر دارم و نمیدانم چطور تصویب بکنم که دولت یک همچو حقی داشته باشد و اینکه مالیات دارد یا ندارد در آن حرف نمی زنم و حال آنکه در نظر من مالیات ندارد و خیلی چیزها هست که در نظر شرع و قانون مقدس اسلام مالیات ندارد و منافع از او می برند و تجارت میکنند بنا بر این عرض میکنم فرضاً مالیات هم داشته باشد بچه مجوز آتین و انصافی دولت حق اجبار دارد با اینکه اساس و روح مشروطیت بآن است که آن سلطنتی که خداوند عالم بتمام مردم داده است که (الناس مسلطون علی اموالهم) مکرر در آن جایی که استثناء شده است که هم ماها آنرا میدانستیم و هزار بار یک کسانی باشند که خیلی شرف دوست و باامانت باشند این را هم عرض میکنم شاید

من خیلی در نظر مستبدین جاوه کنم و در واقع بر خلاف آن باشم نمیدانم حالیه این چه قانونی است که تجویز میکنند سوخته را از یک جگر سوخته بچه بر و اگر بگریزند آوقت بنده چطور امانت می کم و البته تمام اجزاء و اعضاء ادارات بنده گمان میکنم که همه ارواح مکرم باشند و همه انسان دوست باشند و این از کجا میزبان تعدیل است که خرج در رفته مثالی شش شاهی بر او بیفزایند و بمردم بفروشد باز هم عرض میکنم و ناچارم که نظریات خود را عرض کنم و رأی منفردهم باشم و شهید اکثریت تازه کردم عرض میکنم این قانون را بنده عقلاً و شرعاً و عرفاً جایز نمی دانم و برگشت بکمیسیون که اصلاح شود مع التأمین اصلاح نشده آمد به مجلس.

دولت باو مالیات بگذارد و خرید و فروش را مجاز کرده این معلوم است که یک چیزی است غیر ممنوع و مشروع خصوصاً اگر خود دولت فروشنده این متاع باشد این یک چیزی میشود که داخل مهربان اولیه و هر کس می تواند این را استعمال کند و متصدی او شود اگر راستی مقصود این است که دولت بکلی همانطور که میخواهد بعد از هفت سال جلوگیری بکند همان جلوگیری را از امروز بکند و اما این که آقای مغیر می فرماید آقایان اعضاء کمیسیون نظرشان باین بوده است که از عادات مردم کم کم ترک بشود تا آنوقت بعد از چند سال بکلی قطع شود بنده عرض میکنم که الحمدلله اینجا اطباء حاذق خیلی داریم و تمام اشخاصی که تریاک را مبتلا هستند و شیره کشیدن را مبتلا هستند اتفاق دارند که تریاک بدون شیره است منتها آن کیفیت را که در شیره باید ببرند نمی برند و شرعش هم همانطور بود که آقای مدرس فرمودند این آیامالیات دارد یا ندارد اگر ندارد خرید و فروش او حرام است و هیچ منفعت حلالی ندارد چه ضرور که دولت متصدی این بشود و بعضی از آقایان گفتند که ممکن است این یک منفعتی داشته باشد و اول این است که سرفین را از او درست میکنند بنده عرض میکنم که این سرفین را همان طوری که از خود تریاک جوهر میکشند که ببرند خارجه چه ضرر دارد دولت خارجه بردن را منع نکند ولی در این مملکت ما کارخانه جوهر کشی که نداریم سرفین درست کنند شیره درست میکنند و میکشند و اگر قبول کنیم که این مالیات دارد آنوقت انحصارش معنی ندارد همان طور که آقایان فرمودند این را فرستادیم بکمیسیون که اصلاح شود ولی اصلاح شد و همان جهاتی که سبب شد سابقاً که برای او بکمیسیون فرستادیم تمام آن جهات باقی است در غایت عرضم این را میخواهم بگویم که این را در تاریخ نیکبختی خودشان و برای نیک نامی ترک شیره کشیدن بکلی شیره کشیدن را در این مملکت ممنوع بکنند حالا خواهند گفت ما بطور در خانه ها قذغن بکنیم که نکشند در خانه ها شاید بکشند هیچ قانونی از قانون های دنیا نیست که در روز اولش بطوری جاری باشد که هیچ کس در کنج خانه اش هم استعمال نکند قانون کم کم جریان پیدا می کند وقتی که علنی در قهوه خانه ها کشیده شد کم کم رفع میشود و بکلی در عرض یک سال دو سال قطع میشود.

**معزز الملک** - این جا دو مسئله اظهار شد یکی فرمودند برقراری مالیات خلاف شرع است آنچه راجع باین مسئله است بنده هیچ داخل نخواهم شد (تکذیب شد)

علی ای حال آنچه راجع بموافقت یا مخالفت شرع است بنده هیچ داخل نمی شوم زیرا شرع را بنده نمی دانم خودشان بهتر می دانند و اما چیز دیگری که در این جا گفته شد و زیاد شنیده شده گفتند دولت زیاد شروع می کند بوارد کردن شیره بعین اگر یک کسی خارج این جا می بود تصور می کرد کشیدن شیره سخت ممنوع بوده است و حالا مجلس می خواهد بواسطه یک وضع مالیاتی او را آزاد بکند در صورتی که همه ما می دانستیم که تا

**حاج امام جمعه** - بطوری که آندعه و این دفعه مذاکره شد بنده یقین دارم که هم مجلس هم دولت جلوگیری از این سم قاتل است به یک جلب نفعی از این ممرکتی بجهت اینکه از این چیز عزیز تری که داریم اول مردم است و باید حفظ زندگی مردم را بکنیم و اول منظور نظر ما از وضع این مالیات و این انحصار حفظ صحت عموم است لکن بنده تصور میکنم که این وضع مالیات شیره این چیز کثیف را یک قدری رواج میدهد بجهت اینکه هر چیزی که بنیاد

بحال شیره کشیدن منع نبوده هر کس هر چه می خواستند می کشیدند و استعمال می کردند و آقایان این جا بیان یک آمال و آرزوی را کردند که خوبست دولت قدغن بکنند که شیره دیگر کشیده نشود بنده خیلی خوب می دانم که این بهترین آرزو و بهترین آمالها است ولی بنده عرض می کنم و عمومیت می دهم و شامل تریاک و چیز های دیگر هم که مضر است بحال مملکت می گویم کلیتاً هر مخاری را که در این مملکت است و نکبت ضرر آنها بیشتر است چنانچه خود این مسئله را هم کمیسیون منتقل بآن شده است ولی این مقصودی را که ما در نظر داریم بینیم آیا ممکن است باین مقصود یک مرتبه رسید یا باید درجائی را طی کرد تا بآن برسیم بعقیده بنده یک چیزی را که عادت مردم شده علی الخصوص یک همچو مسئله مهمی را که داخل در طبیعت مردم شده و یک طبیعت ثانوی شده است نمی توان مجری کرد و یکی از آن چیزهائی را که باید مقنن ملاحظه کند در موقع قانونگذاری اجرای آن قانون است که آن چیزی را که می گویند و می خواهد که قانون بکند آن چیزی باشد که ممکن الاجراء باشد والا آمالهای خوب روی دنیا را بخواهیم آمال آرزوی خودمان قرار بدهیم وقتی که اجرا نشد چه فایده و آنوقتی که قیام و قعود می کنیم خود ما هم باید مطمئن نباشیم که این قانون بطوری که ما می خواهیم مجرا نخواهد شد مثلاً در لایحه می گوید که بعد از ۸ سال باید طوری کرد که شیر کشیدن بکلی ممنوع باشد این را باید چه طریق کرد راهش این است که اول قدمی که برمی دارند و بعوض این که هر کس یک دکان شیره فروشی باز نکند و بعد از ۸ سال که می خواهند ترک بکنند برعکس در همان جائی هستند الا ان باشند دولت تمام را در تصرف خود بیاورد تازه ببیند که بله دولت شیره فروشی میکند ولی بنده عرض میکنم این کسر شأن دولت نیست دولت میتواند خیلی از این قسم کارها بکند و ثروتی برای خودش از هر چیزی که ممکن است حاصل بکند علی الخصوص یک چنین چیزی را که اداره کردن او تا یک درجه مضار است او را زایل میکند پس برای این مقصود اول قدمیکه دولت برمی دارد میگوید این شره که هر کس مو تواند بعمل آورد بنده نمود متصدی می شوم و در آن مدتی که این کار را میکنم یک طوری خواهم کردم که متدرجاً اینکار متروک شود و این ترتیبی است که بنده بعقیده ام بهترین شرفی است و ممکن است از آن نتیجه بگیریم برای هر مقصودی قدم را چنان باید برداشت که تمام ملاحظات باید بشود و البته یاد بیاورند آن کسانی را که شیره کشیدن را نمیتوانند ترک کنند و اگر ترک کنند می میرند مردن یا اطاعت قانون را کردن البته عدم اطاعت قانون را ترجیح خواهند داد بر مردن .

**آقا سید حسن مدرس** - فرمایش آقا در عملیات بود بنده هم در عملیات عرض میکنم ما اگر امروز حکم کنیم که هیچکس نان نخورد در این مملکت نمیتوانیم چرا بجهت اینکه بدل دارد اجرای آن قانون در او ممکن است و این متفق علیه است و از قراری که

میگویند آن هائی که اهل بصیرت هستند میگویند آن هائی که شیره می کشند می توانند تریاک بکشند منتها یک مثقال شیره می کشد حالا دو مثقال تریاک میکشد از شیره کشی به تریاک کشی می آیند و کم کم تریاک کشی هم ترک میشود لذا حکم دهی که اگر لابد شدیم می کنیم بعد از این که فرمودند شیره کشی مضار است و آقایان هم فرمودند و مجلس هم برای خدمت به مملکت سخت گیری و جلوگیری کند که شیره نکشند چرا برای اینکه ضرر دارد و سختی هم هر چه بکنند کسی نمی میرد بجهت این که پول دارد .

**فهییم الملک** - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم بدل شیره تریاک نخواهد بود زیرا در مثقال تریاک عوض هیچ مقداری از شیره نمی شود و هیچ مملکتی نیست که آن اشخاص شیره کش شیره را ترک کنند و تریاک بکشند و این راهم عرض میکنم اشخاصی که مبتلا هستند به استعمال شیره اسباب رواج فوق العاده این متاع خواهد شد - حالا منع میکنید یا نمی کنید مختارید .

**حاج آقا** - بنده چون می بینم این مباحثه بیشتر از اول شده تقاضا می کنم که این ماده دوسوم به بدون این که رأی گرفته شود برگردد به کمیسیون . برای تجدید نظر برای این که آقای مدرس و آقای امام یک تبادل افکاری بکنند و لازم است اینجا عرض کنم که نظر حقیقی کمیسیون در این باب بچه بود نظر حقیقی چنانچه تشریف آوردند و گفتگو شد نقطه نظر حقیقی کمیسیون بکلی متروک شدن همین ماده مضره از مملکت است ولی پیشنهادها شده بود در این باب که یکی از آن پیشنهاد آقای دکتر علی خان راجع به منعش بود بالکلیه و کمیسیون نظراتی که داشت این بود که بکلی منع شود و آیا این را میتوان اجرا کرد یا نمی شود و حالا باید این را ملحوظ داشت که آیا اجرائش امکان دارد یا ندارد و اشکال اجرائش هر دو را باید ملاحظه کرد و یکی آنکه فرمودند بدل دارد یا ندارد و در صورتی که بدل دارد اما در مقام اجراء دچار محظورات و مشکلات سخت می شویم یا نه می شویم و در مقام بدل داشتن یا نداشتن اعضای کمیسیون با خیلی از دکتورها گفتگو کردند بعضی ها نظرشان این بود که تریاک بدل شیره نمیشود اگر چه دکتر علی خان فرمودند ممکن است ولی کسانی دیگر از اطباء و کسانی هم که مبتلا به این کار شده بودند و خواسته بودند تبدیل بکنند دیده بودند که نمی شود این یک مطلب گفتگو شد و بکمیسیون تحقیقات نشد که این بدل دارد و از این مرحله که گذشتیم به کلیه اش قدغن بر نمی دارد تدریجاً باید رفع شود در ترتیب تدریجی این همان نظری که در خود این تریاک بود کمیسیون بالنسبه نظر کرد یعنی تاوقتی که این بکلی از طبیعت مردم رفع بشود و تجارتش هم چنانچه آقای مخبر فرمودند بکلی از میان خواهد رفت برای اینکه مصارف خارجیش همانطور که گفتند مدموم است در آن وقت یامی توانیم حکم کلی بکنیم که نه تریاک و نه شیره استعمال شود این مطلب یک چیزی نیست که بتوان اقدام کرد و یک مرتبه سختی باید

داشت و اگر هم فرض کردیم که یک مدتی داشت از نقطه نظر کمیسیون نمی توانستیم یک مرتبه قدغن بکنیم بواسطه اینکه احکامی که از طرف دولت بعنوان قدغن شده بود دیده بودیم تجربه حاصل کرده بودیم دولت آن قدغن را که میکرد یا تعقیب میکرد یا نمی کرد اگر تعقیب میکرد مثل سایر مطالب از نهیات شرعیه بالاتر که نبود و آن طوری که ما می خواستیم نشده و اگر سخت تعقیب میکرد یا نه میکرد مبتلا میشدیم به محظوراتی که راجع به اخلاق ما و درین دولت است بطوری که اشاره فرمودند بجهت اینکه اگر تعقیب میکردیم اشخاصی که مأمور این کار بودند که جلوگیری از این کار باید بکنند در اقصی بلاد ایران یک ذره سوخته که در دست آنها پیدا میشد هزار گونه تعدی و ذلت میشد و یک مرتبه اسباب یک نفرت و یک ابتلای دولتی میشد یک مطلب دیگر هم که اسباب توجه نظر کمیسیون شد این بود که اگر می خواستند بطوری که آقا اظهار کردند یک مالیاتی مثل مالیات تریاک برای سوخته وضع کنند ممکن نبود بجهت اینکه یک مثقال سوخته که در یک خانه یا یک قهوه خانه پیدا میشد و می خواستند بگیرند مبتلامی شدند یک ترتیبات دیگری که بدتر از مسئله تریاک میشد بجهت اینکه تریاک را ممکن است یک وجهی جلوگیری از قاچاقش کرد ولی سوخته یک چیزی نیست که مثل تریاک جلوگیری از آن بکنند و سوخته هیچ مانعی ندارد از اینکه بیاورند بدولت بفروشند چنانکه یک تاجر دیگری می فروشند ولی دولت که نمی تواند برود در یک قهوه خانه یا یک خانه از اجزای جلوگیری بکنند آن محظورات آخری حاصل میشد از روی آن نظرات کمیسیون دیده بهتر این است که دولت این را انحصار کند و کسانی که در این رشته تجارت دارند چون می دانند که یک مدتی بدستشان می آید هیچ مانعی ندارد از برای اینکه می بینند که نفع خودشان از این نرفته است محض نفع خودشان می آورند بدولت می فروشند و دولت هم میتواند که بطور خوبی قسمی جلوگیری کند که مطابق مزاج مملکت باشد و بکلی رفع این را بعد از هفت سال کرده باشد حالا اگر نظر آقای مدرس مخالف است با این نقطه نظر کمیسیون بنده تقاضا میکنم که این برگردد به کمیسیون .

**رئیس** - مذاکره بقدر کفایت شد و بنده گمان نمی کنم که بتوانیم نتیجه بگیریم تا این مطلب به کمیسیون رجوع نشود و نظرات آقایان در او نشود نمیشود نتیجه گرفت و چون از طرف کمیسیون تقاضا شده است مطابق نظامنامه باید عودت داده شود اگر تصویب می فرمائید که عودت داده شود .

**فهییم الملک** - بدو ماده که مذاکرات ندارد خوبست رأی بگیرند .

**رئیس** - چون اعضاء کمیسیون این تقاضا را کردند که برود بکمیسیون آقایان دکتورها هم بروند نظرات خورشانرا بگیرند . حالا دستور جلسه آتی را میگویم رایبورت کمیسیون نظام راجع بسوار از ایلات - کنترات مسبو مولایتر - قانون نیت اسناد در باب دستور آقای افتخار الواعظین فرمایشی داشتید ؟

**افتخار الواعظین** - می خواستم عرض کنم که نتیجه انتخابات این دفعه کمیسیون بیشترش صرف این شده است که قانون منع احتکار غله مرتب شده بگذرد و این یک مرتبه آمد بمجلس و کمیسیون ارجاع شد و با حضور آقایان که اطلاعات داشته اند کاملاً در آنجا مذاکره شد در راپورت مفصل هم طبع و توزیع شده و خود رئیس هم می دانند که فوائد این بسیار است از طرف کمیسیون داخله بنده تقاضا می کنم که این راپورت هم جزو دستور گذاشته شود .

**رئیس** - جزو دستور گذاشته میشود

**ادیب التجار** - یکی از کارهای مهمی که مجلس مقدس در نظر داشت تفتیش مالیه مملکت بود که مدتها است اشخاص عوض شدند و نفرم در این اواخر استعفا دادند و استعفای آنها را نمی دانم جهتش چه چیز است خوبست بگویند که آقایان ملتفت شوند اگر هم حالا نمی گویند در جلسه آتی بگویند و کسر آنها را انتخاب نمایند و استعفا می کنم که آقای رئیس جزو دستور آتی بگذارند .

**رئیس** - چند کمیسیون است که اعضایشان کسراست انشاءالله در جلسه آتی انتخاب میکنیم .

**دکتر علی خان** - نمی دانم چه علتی دارد که هرچه از کمیسیون معارف راپورت می آید و غالباً هم مهم است یکی راپورتش داده شده است و آن روزنامه رسمی است و یکی دیگر اعزام محصلین است بخارجه اینها را خوب است مقرر فرمایند جزو دستور گذاشته شود که زودتر تکلیفش معلوم شود و یک رأی بیشتر ندارد و مخصوصاً راپورت اعزام محصلین را تقاضا می کنم زودتر جزو دستور گذاشته شود

**رئیس** - راپورت کمیسیون که در باب محصلین است هنوز نرسیده است و در باب روزنامه رسمی هم آنرا راجع کردیم بکمیسیون بودجه تازه راپورتش رسیده بعد از طبع و توزیع جزء دستور گذاشته می شود

**دکتر علی خان** - راپورت اعزام محصلین داده شده است .

( مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

### جلسه ۴۱۶

صورت مذاکرات روز شنبه ۲۵ شهر

صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ممتازالدوله تشکیل شد . صورت مجلس جلسه قبل را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل : آقایان مستشارالدوله - حسنعلی خان - سپهبد اعظم - سردار اسعد - بدون اجازه - آقای آقامیرزا محمد نجات با اجازه غایب بودند .

آقایان حاجی سید نصرالله - آقامحمد بروجردی حاج وکیل الرعایا - آقا عبدالحمید - آقا میرزا ابراهیم قمی بموقع مقرر حاضر نشدند .

**رئیس** - در صورت مجلس حاضر هست .

**دکتر علیخان** - در صورت مجلس لازم بود اسامی اشخاصی که در هر یک از احزاب معرفی شده اند قید شود و چون می بینم در صورت مجلس اسامی حزب اقل قید نشده است حالا متذکر شدم روز قبل بنده درست متوجه نشدم که اسامی حزب اکثر یعنی ائتلاف کننده ها را نوشته بودند یا خیر و اینکه امروز متذکر شدم بواسطه این است که می بینم در روزنامه اسم بنده را بجای اسم آقای دکتر امیرخان نوشته اند و این را که عرض می کنم نه این است که بنده مخالفت داشته باشم با آن پروگرامی که نوشته شده است بلکه غرضم این است که این یک چیز خلاف واقعی است که نوشته شده باینجهت گمان میکنم لازم بود قید شده باشد اسامی اشخاصی که در هر یک از احزاب هستند چون بنده جزو هیچ حزبی و هیچ ائتلافی نیستم .

**رئیس** - در صورت مشروح مجلس نوشته شده این خلاصه صورت مجلس است که خوانده میشود .

**دکتر اسمعیل خان** - بنده هم میخواستم همین را عرض کنم که آقای دکتر علیخان اظهار کردند دکتر امیر خان اشتباه بدکتر علی خان شده است .

**آقامیرزا یانس** - بنده آنروز بعد از قرائت دستخط آقای نایب السلطنه عرض کردم که خوب است این یادداشت چاپ شود در صورت مجلس قید شده است .

**بهجت** - اخطار نظامنامه درم .

**رئیس** - بفرمائید .

**بهجت** - در ماده ۴۰ نظامنامه داخلی مینویسد قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتهجات و مطالبی که راجع بمجلس است با اطلاع نمایندگان میرسانند و چندین بار این مسئله مذاکره شده و جوابی که از طرف رئیس گفته میشود اینست که میفرمایند عرایضی که بمجلس میآید راجع میشود بکمیسیون عرایض و در آنجا قسمت میشود مطابق آنماده که تکالیف کمیسیون عرایض در آن معین شده است عمل میشود حالا بعضی تلگرافات یا عرایض است که بمجلس میآید بکمیسیون عرایض رجوع میشود و کمیسیون عرایض رجوع بمجلس کرده است یعنی بهیئت رئیسه فرستاده است از جمله دو تلگراف از انجمن ایالتی کرمان یک تلگراف از انجمن ایالت فارس یک تلگراف از خراسان و از انجمن ولایتی اصفهان هم آمده است در خصوص قتل مرحوم صنیع الدوله و خوانده نشده است .

**رئیس** - این خارج از حدود اخطار نظامنامه است این اخطار نظامنامه نیست .

**بهجت** - اینماده ۴۰ نظامنامه است و اخطار نظامنامه است اجازه بدهید عرض کنم .

**رئیس** - بنده اجازه نمیدهم .

**وزیر امور خارجه** - در باب مناسبات ایران با سایر دول متحابه بنده خودم بشخصه عازم بودم که در مجلس محترم بیان مطالبی که در این چند وقت خدمت بنده در وزارت خارجه بر بنده معلوم و مکشوف شده بنمایم و خیلی ممنونم که بعضی از

نمایندگان محترم هم مثل آقای معاضد الملک هم عقیده باینده بود و خواسته اند که این مسئله مهم که در واقع از مهمات و مطالب اساسی هر مملکتی است بمحل مذاکره گذاشته شود آقایان بهتر از بنده می دانند که هر دولت هر قدری که برقوا و اهمیتش می افزاید همانقدر مناسبات سیاسی بین المللی و بین الدولی زیادتر میشود امروز ایران که در میدان پولیتیک عالم جالب دقت نظر عمومی نسبت بخود شده یک موقعی را داراست که حاجت باینکه در آن باب در اینجا عرض بکنم نیست با این موقع مهمی که پیدا کرده بر اولیای امور البته فرض است که این مسئله اساسی را که حفظ و ازدیاد حسن مناسبات دولت ایران با خارجه است در نظر دقت خود بگیرند و مساعی خود را همیشه در آن باب صرف بکنند بنده از اولی که وارد این خدمت شدم بسابقه مناسبات متعرض نمی شوم فقط که از شروع باین خدمت محترم عرض میکنم که سفرای دول متحابه از اول ملاقاتی که باینده کرده اند تا بحال در چندین جلسه هر یک جدا جدا حسابات دوستانه و اظهار همراهی و موافقت خودشان را باین اساس حاضر ایران بیان فرمودند و تأمینات متوالیه داده اند که مایلند باین که ایران باین اساس جدید دارای ترقیات کامله پیشرفت های عالی بشود و بالخصوص از وقتی که حرکت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بایران گوش زد شد در هر جلسه که سفراء بوزارت خارجه آمده اند این مسئله را بیشتر و باصمیم قلب اظهار و اطمینانات خیلی مستوفی داده اند بعد از ورود آقای نایب السلطنه هم بطهران یک مرتبه که بوزارت امور خارجه آمده بودند باز حسابات دوستانه خودشان را بطور اتفاق با تأمینات باین که دول متحابه باینک مناسبت خاصی امیدواری دارند که باین اساس در این نایب السلطنه عالم دولت خواه ملت دوست برای ایران ترقیاتی حاصل بشود که موجب مسرت دول متحابه بشود چنانکه در موقع شرفیابی خدمت والا حضرت اقدس هم همین بیانات را همگی کاملاً عرض کرده بودند که والا حضرت در موقع شرفیابی نمایندگان محترم اظهار مسرت خود را از آن بابت بیان فرمودند این است در اینجا با کمال مسرت و امیدواری میتوانم عرض کنم که امروزه ما بین ایران و دول متحابه کمال حسن مناسبت حاصل است و چون احتمال میدهم که آقایان نمایندگان مایل باشند که مقداری از مناسبات ما با دول همسایه بالخصوص بیشتر اظهار بشود لزوماً اشعار میدارم که یکی از مسائل مهمه ما مسائل حدود ما است با دولت علیه عثمانی که همه میدانید مدتی است اولیای دولت ایران را این کار مشغول کرده است و با بیانات منصفانه و دوستانه که اولیای دولت عثمانی در اسلامبول و جناب حسین حبیب بیک سفیر کبیر دولت علیه عثمانی با آن حسن نیتی که دارد در طهران اظهار میکند و با آن نطق مشفقانه که جناب صدراعظم دولت علیه عثمانی در پارلمان اظهار کرده اند امیدواریم که این مسئله هم بزودی قطع و فصل شده نگرانی از این باب باقی نمانده و حسن روابطی که با آن دولت همسایه داشته ایم و باز بطریق اکتفا هست مکمل تر شود .